

Analysis of Perceived Understanding of Single Girls from the Socio-Economic Contexts of Delaying the Age of Marriage

(A Case Study of Single Girls in Yasuj)

Zahra Mirhosseini * 

Assistant Professor of Women and Family
Studies, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

Hamideh Hosseinzadeh 

MA of Women and Family Studies, Al-
Zahra University, Tehran, Iran.

Introduction:

Given the social and cultural backgrounds in Iran, one of the most important social phenomena and biological changes currently is the increase in the age of marriage and the rise in the rate of singles among young people. This issue has led many individuals at various levels of scientific and social policy-making to express concerns about changes in family institutions in Iran, the emergence of a new lifestyle based on singleness, and the population challenges that follow. In this context, the issue of singleness for women, considering the social and cultural backgrounds and conditions of society, also takes on more complex dimensions. This is because, in most cases, accepting this way of life may not be voluntary, and it can be categorized as an optional or compulsory issue; a group of women who never find the opportunity to marry due to certain circumstances, those who choose not to marry voluntarily, and those who not marry despite having the opportunity due to societal misconceptions. It can be said that women, under the influence of social, cultural, and economic context, face different experiences of inclination or disinclination towards marriage, which can be understood and interpreted based on their individual, familial, and social characteristics. This article aims to explore the understanding and perception of single women in Yasuj city about the economic and

* Corresponding Author: Z.mirhosseini@alzahra.ac.ir

How to Cite: Z, Mirhosseini; H, Hosseinzadeh. (2024). Analysis of Understanding of Single Girls from the Socio-Economic Contexts of Delaying the Age of Marriage (A Case Study of Single Girls in Yasuj), *Journal of Social Development and Welfare Planning*, 14(57), 369-416.

social contexts contributing to the increase in the age of marriage using qualitative research methods. The main goal of this study is to identify and reveal hidden themes in the narratives of women regarding their experiences related to the phenomenon of delayed marriage.

Method:

The research method in this study is qualitative and phenomenological. The data collection tool is semi-structured interviews conducted both in-person and remotely due to the specific health conditions arising from the COVID-19 pandemic. The participants in this study are unmarried women whose main criteria for selection, in addition to their singleness, are their age and residence in Yasuj city. The minimum age of participants, considering the cultural and traditional context of the region, is set at 25 years, and a diversity of samples has been considered. The sampling method is purposive, with individuals selected randomly, and efforts have been made to fully adhere to ethical principles during the interview process and reporting of findings. Ultimately, interviews were conducted with 20 unmarried women aged 26 to 38 years.

In the process of data analysis, the seven-step Colaizzi method was used, and methods such as member checking, peer debriefing, sharing concepts and categories with experts, reaching consensus, and referencing participants quotes and narratives were employed to increase the credibility and reliability of the research.

Results:

The findings of this research, based on the analysis of conducted interviews, encompass three main categories and 11 sub-categories, with 65 initial concepts. The first main category, "Economic disadvantage of marriage", includes four sub-categories: "complexity of economic conditions and fear of the future of family formation", "inefficiency of support plans", "dominance of economic criteria over Marriage", and "job challenges and fear of marriage". The second main category, titled "Generalized socio-economic expectations", consists of three sub-categories: "Increasing luxuries and difficulty in providing dowry", "Economic Equilibrium and Socio-Economic expectations of boys", and "Demanding educational and financial balance in girls' and boys' remnants". Lastly, the main category "changes in the family system and family values" emerged from the qualitative interview analysis, including four sub-categories: "fear of spousal betrayal and increasing distrust", "dowry as a guarantee for marriage", "generational attitude changes and fading family roles", and "media influence shadow on marriage matters".

Discussion:

Overall, it can be said that in most cases, the delay in marriage age is due to various economic and social factors imposed on individuals. These factors include unemployment, lack of a stable job, lack of independent housing, low economic base, women's employment and rising expectations, concerns about financial problems in the future, turbulent economy and fear of taking responsibility, market instability and inability to provide dowry, inefficient facilities, tendency towards higher education, preference for education over risky marriage, etc. therefore, like other social issues, this issue has multiple consequences for individuals and society. Decreasing marriage rates and increasing singleness definitively led to an increase in moral and social abnormalities. These can pave the way for other problems such as reduced fertility, emergence of mental disorders, identity crisis, new changes in family structure, interference in family members interactions with each other, and changes in family members behavioral patterns.


Keywords: Celibacy, Social Factors, Economic Barriers, Marriage Delay, Family.




واکاوی فهم دختران مجرد از زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی تأخیر در ازدواج

(مورد مطالعه دختران مجرد شهر یاسوج)

استادیار مطالعات زنان و خانواده دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

زهرا میرحسینی * 

کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

حمیده حسین زاده 

چکیده

مقاله حاضر مبتنی بر پژوهشی کیفی است که در آن تلاش شده تا فهم ادراک‌شده دختران مجرد شهر یاسوج از زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی-اقتصادی تأخیر در سن ازدواج مورد واکاوی قرار گیرد. بدین منظور با ۲۰ دختر مجرد در شهر یاسوج که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند، مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته صورت پذیرفته است. در مرحله تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کلایزی استفاده شد، مقوله‌های اصلی استخراج شده در مصاحبه با مشارکت کنندگان شامل: «عدم مطلوبیت اقتصادی ازدواج»، «انتظارات اجتماعی-اقتصادی تعمیم‌یافته» و «تغییر و تحولات ارزش‌ها و هنجارهای خانواده» بوده و شامل ۱۱ مقوله فرعی «پیچیدگی شرایط اقتصادی و ترس از آینده تشکیل خانواده»، «ناکارآمدی طرح‌های حمایتی»، «سیطره ملاک‌های اقتصادی بر امر ازدواج»، «چالش‌های شغلی و ترس از ازدواج»، «تجملات فزاینده و دشواری تهیه جهیزیه»، «هم‌کفوی اقتصادی و انتظارات اجتماعی-اقتصادی از پسران»، «مطالبه توازن تحصیلی و مالی در دختران و جاماندگی پسران»، «ترس از خیانت همسر و بی‌اعتمادی فزاینده»، «مهریه به مثابه تضمینی برای ازدواج»، «تغییر نگرش‌های نسلی و کم‌رنگ شدن نقش خانواده» و «سایه ذائقه سازی رسانه بر امر ازدواج» می‌باشد. در مجموع یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی تا حد زیادی سیستم محاسبه سود و زیان در امر ازدواج را مختل نموده است.

واژه‌های کلیدی: تجردگزینی، عوامل اجتماعی، موانع اقتصادی، تأخیر ازدواج، خانواده

بیان مسئله

با توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگ ایرانی، در حال حاضر یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی و تحولات زیستی، افزایش سن ازدواج و بالا رفتن میزان مجرد در بین جوانان است. مسئله‌ای که موجب شده تا بسیاری از افراد در سطوح مختلف علمی و سیاست‌گذاری اجتماعی به آن توجه نشان داده و نسبت به تغییر و تحولات نهاد خانواده و همچنین شکل‌گیری سبک جدیدی از زندگی مبتنی بر مجرد، ابراز نگرانی‌هایی داشته باشند (بشیری خطیبی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۸۷؛ تاج‌بخش و نصیری، ۱۴۰۰: ۸۵). آخرین بررسی‌های آماری در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد، بیش از ۵ میلیون و ۴۳۱ هزار دختر در سنین ۱۵ تا ۳۹ و جمعیتی بالغ بر ۴۲۶ هزار نفر نیز در بازه سنی ۴۰ سال و بیشتر هستند که هرگز ازدواج نکرده‌اند. علاوه بر این روند تغییرات و تحولات آماری نیز نشان می‌دهد، میانگین سن در اولین ازدواج برای زنان در سال ۱۳۳۵، در حدود ۱۹/۰ سال بوده است در حالی که این میانگین در سال ۱۳۹۵ به حدود ۲۳/۰ سال برای زنان رسیده است (سایت مرکز آمار ایران^۱، ۱۴۰۰). این در حالی است که آمار اعلام‌شده در سال ۱۳۹۹ نیز نشان می‌دهد، در میان خانواده‌های ایرانی با روند کاهشی ازدواج و روند افزایشی طلاق مواجه بوده‌ایم، به طوری که در مقابل ۵۵۶۷۳۱ ازدواج ثبت‌شده در سال، ۱۸۳۱۹۳ طلاق ثبت‌شده است (سایت مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰).

با این حال نکته مهم در این بین اختلافاتی است که همواره در تبیین زمینه‌های بروز و ظهور این پدیده وجود داشته است. بسیاری بالا رفتن سن ازدواج و روند افزایشی مجردها را به کاهش تمایل و عدم مقبولیت مقوله ازدواج در جامعه ارتباط می‌دهند (مداحی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۸؛ حبیب‌پورگتایی و غفاری، ۱۳۹۰: ۳۰؛ افراز، ۱۳۸۹: ۱۱۷)؛ و برخی نیز «شرایط موجود» را مانع ازدواج معرفی می‌کنند. به طوری که معتقدند، مهم‌ترین زمینه‌ها در تغییر رویکرد نسبت به ازدواج، تأثیر مسائل مالی است که به جهت بالا بودن هزینه‌های

زندگی مشترک و نداشتن شغل مناسب و یا بیکاری، تمایل به تشکیل خانواده کمتر شده است (شهانواز و اعظم آزاده، ۱۳۹۸: ۱۸۲؛ صادقی و گوهری، ۱۳۹۵: ۱۷۰؛ فخراپی و پور تقی، ۱۳۹۵: ۷۸؛ بالاخانه، ۱۳۹۴: ۱۳۷؛ صادقی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

در این بین مسئله تجرد برای دختران با توجه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و شرایط جامعه، ابعاد پیچیده‌تری نیز پیدا می‌کند، چرا که در اغلب موارد ممکن است، پذیرش این شیوه از زندگی خودخواسته نبوده و در یک دسته‌بندی کلی می‌توان انتخاب این نوع زیست را یک مسئله اختیاری یا اجباری دانست؛ گروهی از زنان که بنا به شرایطی هرگز فرصت ازدواج پیدا نمی‌کنند، گروهی که خودخواسته ازدواج نمی‌کنند و دسته‌ای که علی‌رغم داشتن فرصت‌های ازدواج به خاطر سنت‌های اشتباه اجتماعی، ازدواج نمی‌کنند.

بنابراین می‌توان گفت همواره دختران در فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه، تجربیات متفاوتی از ازدواج و یا عدم تمایل به ازدواج و همچنین فرصت‌ها و یا عدم فرصت‌های پیش رو داشته‌اند که با توجه به بسترها و زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی و ویژگی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی آنها قابل‌درک و تفسیر است (غیاثوند و حاجیلو، ۱۳۹۹: ۱۸۵). از طرفی با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی جوامع، نحوه روبه‌رو شدن با پدیده تجرد نیز صور و ابعاد متفاوتی دارد. در جوامع غربی به آن دلیل که تجرد امری درونی شده است، نحوه مواجهه با آن نیز طبق شرایط اجتماعی خاص آن اجتماع صورت می‌گیرد، درحالی‌که در جوامع شرقی و درحال توسعه مسئله‌ای نوپدید و چالشی محسوب می‌شود (سلامتی هرمزی، ۱۳۹۰: ۴).

هرچند رسوخ الگوها و سبک‌های متناقض ازدواج با شرایط فرهنگی در جامعه ما امری غیرقابل‌انکار است اما زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری این مسئله نیز در مناطق مختلف، با توجه به گستردگی و پراکندگی فرهنگی متفاوت است، آنچنان که این شرایط، در کلان‌شهرها با محیط‌های شهری و روستایی کوچک‌تر متفاوت است. علاوه بر این، مسئله تجرد به دلایل مختلفی همچون مسائل عرفی و فرهنگی نیز دارای حساسیت‌های ویژه‌ای است که چالش‌های خاصی نیز ایجاد کرده و علی‌رغم تکاپوها جهت یافتن راهکارهای

واکاوی فهم دختران مجرد از زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی...، میرحسینی و حسین‌زاده | ۳۷۵

مؤثر، به نظر می‌رسد توجه چندانی به نیازهای خاص دختران با عنایت به شرایط اقتصادی و اجتماعی که وجود دارد، نشده و برای پیامدهای تجرد برنامه‌ریزی‌های لازم نیز لحاظ نشده است (ابوالحسنی، ۱۳۹۸: ۲).

در خصوص مشکلات و پیامدهای تجرد، می‌توان به شکل‌گیری روابط غیرمشروع و خارج از عرف و شئون اسلامی، شکست‌های متعدد، سرزنش از سوی والدین، انزوا، طرد و کم شدن روابط اجتماعی، افسردگی، شکل‌گیری گروه‌های نابهنجار، افزایش تنوع‌طلبی و اختلالات جنسی و... اشاره کرد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴۷؛ مدرسی یزدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۱؛ فرضی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۴۳؛ معمار و یزدخواستی، ۱۳۹۴: ۱۶۹)، که با توجه به بافتار فرهنگی جامعه، چالش‌ها و مسائل عدیده‌ای را ممکن است برای افراد و خانواده‌ها بوجود آورد.

همان‌طور که شرح داده شد، پدیده تجرد و تأخیر در سن ازدواج دلایل متعدد و ابعاد پیچیده‌ای دارد، ولی با توجه به پررنگ بودن نقش شرایط و عوامل اجتماعی و اقتصادی در بروز این پدیده، در این مقاله تلاش شده است تا فهم و درک دختران مجرد شهر یاسوج از بسترها و زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی بر افزایش سن ازدواج با استفاده از روش کیفی مورد مطالعه قرار گیرد. در واقع هدف اصلی این مطالعه، شناسایی و آشکارسازی مضمون‌های پنهان در روایت‌های دختران از تجارب خود در رابطه با پدیده تأخیر در سن ازدواج است که با توجه به ویژگی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی و همچنین بسترها و زمینه‌های فرهنگی شهر یاسوج و تجربه زیسته‌شان روایت می‌کنند. در راستای این اهداف طی فرایند هر مصاحبه، مشارکت‌کنندگان به پرسش‌هایی که بر اساس سؤالات محوری زیر طرح شده است، پاسخ گفته‌اند:

- دختران مصاحبه‌شونده چه درک و توصیفی از بسترها و زمینه‌های تأخیر در ازدواج

خود شرح می‌دهند؟

- از نظر مشارکت‌کنندگان تأخیر در سن ازدواج و انتخاب زیست مجردانه تحت چه

عوامل مداخله‌ای اجتماعی بوجود آمده است؟

- بسترها و زمینه‌های اقتصادی ادراک‌شده در تأخیر سن ازدواج در روایت دختران مجرد شامل چه مواردی است؟

پیشینه تحقیق

از جمله مهم‌ترین یافته‌های پژوهشی که بی‌ارتباط با موضوع مورد مطالعه نیست را می‌توان در دو دسته مطالعات جمعیت‌شناختی و مطالعات جامعه‌شناختی مجرد دختران قرار داد که در قالب ادبیات خارجی و ادبیات داخلی به شرح زیر است:

اسچوستر^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «ازدواج از دست رفته: تغییر الگوهای ازدواج در میان گذار اجتماعی در میانمار» به بررسی تفاوت الگوهای ازدواج بین مردان و زنان در میانمار پرداختند و ارتباط بین ازدواج در گروه‌های سنی و پیشرفت تحصیلی زن و مرد و مشارکت نیروی کار را مورد بررسی قرار دادند. این پژوهش با استفاده از داده‌های اخیراً منتشرشده از اولین نظرسنجی جمعیت‌شناسی و سلامت میانمار (DHS) که طی سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۶ صورت پذیرفت، انجام شد؛ همچنین در این تحقیق از داده‌های جمع‌آوری‌شده از سرشماری سال‌های ۱۹۸۳ و ۲۰۱۴، برای تجزیه و تحلیل ارتباط ازدواج و پیشرفت‌های تحصیلی در بین مردان و زنان استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که تحصیلات بالا و کار در حال حاضر بر ازدواج زنان در تمام سنین تأثیر منفی می‌گذارد. لی^۲ و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی «عوامل تأخیر در ازدواج در کره: تجزیه و تحلیل داده‌های سرشماری جمعیت کره در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰» پرداختند. کره یکی از پایین‌ترین آمارهای نرخ باروری در جهان را دارا است، از این رو این مطالعه طیف وسیعی از عوامل مرتبط با تأخیر در سن ازدواج، که عامل مهمی در باروری پایین است، را با استفاده از نمونه سرشماری جمعیت کره از ۱۹۹۰، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵، ۲۰۱۰ به وسیله داده‌های آماری ارزیابی می‌کنند. یافته‌ها نشان‌دهنده آن بود که زنان دارای تحصیلات عالی، ازدواج

1. Schouster et al
2. Lee et al

را در مقایسه با افرادی که دارای سطح تحصیلات پایین‌تری هستند به تأخیر می‌اندازند با این حال مردان با تحصیلات بالا زودتر از مردان با سطح تحصیلات پایین‌تر ازدواج می‌کنند. علاوه بر این چندین ویژگی منطقه‌ای دیگر با تأخیر سن ازدواج مرتبط است. از جمله قیمت بالای مسکن، درآمد بیشتر برای زنان، نرخ بیکاری پایین‌تر برای زنان جوان، درآمد کمتر و نرخ بیکاری بیشتر برای مردان.

کلیک^۱ در سال (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «زنان مجرد با "پنجره‌های فرصت" بسته: دلایل زنان حرفه‌ای برای ازدواج نکردن» به بررسی دلایل عدم ازدواج زنان در ترکیه می‌پردازد. این مطالعه که بر تجربه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و زنان حرفه‌ای که هرگز ازدواج نکرده‌اند و در بازه سنی ۳۵ تا ۵۰ سال قرار دارند متمرکز است، به صورت کیفی و توصیفی از ۲۰ مصاحبه عمیق استفاده می‌کند تا دلایل ازدواج نکردن و مجرد زنان را بررسی کند. مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که نرخ ازدواج در حال کاهش است. عواملی که در این روند مؤثر بوده، شامل بسترهایی است که آزادی اقتصادی بیشتری را برای زنان فراهم آورده است. علاوه بر آن نرخ بالای طلاق، همچنین، زندگی، زیست و ازدواج خارج از عرف، فردی شدن و تضعیف پیوند بین زوجین، نیز بر روند کاهش ازدواج مؤثر بوده‌اند.

یو^۲ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی روند تأخیر ازدواج در میان زنان کشور کره» به بررسی الگوی تأخیر ازدواج در بین زنان با استفاده از داده‌های حاصل از سرشماری می‌پردازد. این مطالعه سن ازدواج زنان را در میان گروه‌های پنج‌ساله‌ای، بین سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۸۵ مقایسه می‌کند و روند تأخیر ازدواج را در سنین مختلف تحلیل می‌کند. یافته‌ها نشان داد دو الگوی متمایز تأخیر ازدواج قابل‌شناسایی است. اولین مورد در میان همگروه‌های متولد شده در دهه ۱۹۳۰ و اوایل دهه ۱۹۴۰ رخ داد که با تحولات سیاسی پی‌درپی مانند جنگ جهانی دوم و جنگ کره مواجه شدند. الگوی متفاوت دیگر از تأخیر

1. Celik
2. Yoo

سن ازدواج در میان زنان متولدشده از دهه ۱۹۷۰ در جریان است، که در میان آن‌ها نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده تا سن ۴۵ سالگی سیر صعودی داشته است. جنگ‌ها ازدواج را برای همه گروه‌های اجتماعی به تأخیر انداخت است. همچنین تأخیر ازدواج در میان زنان دارای تحصیلات عالی بارزتر بوده است.

ردا و لیندستروم^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «روندهای اخیر در زمان اولین رابطه جنسی و ازدواج در بین زنان جوان در اتیوپی» به بررسی روند تحولات اجتماعی و اقتصادی اخیر که می‌تواند الگوهای باروری را در این کشور بین سه گروه از زنان تغییر دهد، می‌پردازند. این پژوهش با استفاده از داده‌های سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۵، و ۲۰۱۱ بررسی‌های جمعیت‌شناسی و سلامت اتیوپی (DHS) را از طریق منحنی‌های بقا و مدل‌های موجود در بین زنان ۲۰-۲۹ ساله برآورد می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد که این تحولات منجر به تغییرات تدریجی و گذار از فعالیت جنسی و ازدواج در میان زنان جوان شده است. فارغ از تأثیرات تحصیلات و محل سکونت، شواهدی وجود داشت که نشان می‌داد روابط جنسی پیش از ازدواج رو به رشد است. با این حال، در بین زنان تحصیل کرده و زنان ساکن در مناطق شهری (که اقلیت کوچکی از زنان هستند) تمایل بسیار بیشتری برای شروع فعالیت جنسی خارج از ازدواج در مقایسه با زنانی که تحصیلات کمی دارند و زنانی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند وجود دارد. همچنین در جدیدترین نظرسنجی شواهد نشان می‌داد، زنانی که قبل از ازدواج رابطه جنسی داشته‌اند، ازدواج را بیشتر از آنچه در گروه‌های قبلی بوده است به تأخیر می‌اندازند.

در پژوهش‌هایی که در ایران صورت گرفته است توجه ویژه‌ای به مجرد زیستی خصوصاً در دختران به عنوان پدیده‌ای اجتماعی شده است.

گنجی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی دختران ازدواج‌نکرده ایلامی بر حسب دلایل مجرد» به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که در بافتار سنتی جامعه ایلامی دلایل ازدواج نکردن دختران چیست؟ در این تحقیق از روش کیفی و

1. Reda & Lindstrom

تکنیک سنخ‌شناسی استفاده‌شده و در مجموع ۱۶ دختر به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی در این تحقیق مشارکت نموده‌اند. نتایج این تحقیق دلایل مجرد دختران را در ۸ سنخ نشان می‌دهد. از جمله، «دختران مجرد سردرگم، دختران مجرد کمال‌گرا، دختران مجرد استقلال‌طلب، تعویق ازدواج تا تحقق اهداف، دختران مجرد مبادله‌نگر، انگ خوردگان، دختران مجرد سرخورده و دختران گرفتار در پنجره‌نگرشی بسته». به بیانی این تحقیق نشان داد که تغییرات فرهنگی به همراه بسترهای اقتصادی، نقش بسزایی در افزایش سن ازدواج داشته است.

مداحی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مسئله مجرد: سوژه و زیست جهان نوپدید دختران شهر تهران» به کشف دلایل دختران شهر تهران به جهت انتخاب زیست مجردی و تفسیر آن می‌پردازند. این پژوهش با روش کیفی از نوع نظریه‌زمینه‌ای صورت پذیرفت که تعداد نمونه‌ها در این مطالعه ۳۵ نفر از دختران مجرد شهر تهران بودند. در این پژوهش که از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته انجام شد یافته‌ها نشان از آن داشت که یک مقوله محوری را با عنوان «تجرد: زیست جهانی چندوجهی» می‌توان تعریف کرد که شامل ۱۱ مقوله اصلی است. این مقولات شامل، «گزینش انزوا و تنهایی، گذران اوقات فراغت در قالب مدرن، بازاندیشی بدن و اهمیت آن، حداکثر سازی منفعت و فردمحوری و...» است که در نهایت با ترسیم مدل پارادایمی آن، دختران مجرد به عنوان عاملان و کنشگرانی فعال که به انتخاب دست می‌زنند، معرفی می‌شوند.

علائی بوسجین (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «توسعه راهکارهای جامعه‌شناختی رفع موانع و مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوانان» به بررسی مشکلات و موانعی می‌پردازد که سد راه ازدواج جوانان است. روشی این مطالعه، روش کمی و از نوع پژوهش پیمایشی بوده و فرایند جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه صورت پذیرفته است. نمونه آماری در این مطالعه ۳۸۴ نفر از جوانان مجرد شهر اردبیل بوده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در افزایش سن ازدواج و یا تأخیر آن بسیار مؤثر بوده است.

بشیری خطیبی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی مجردگزینی جوانان، مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات» به بررسی پدیده مجرد و پیامدهای آن، که گاهی برای سیاست‌گذاران و حتی خانواده‌ها نگرانی‌هایی به همراه دارد، می‌پردازد. روش مطالعه در این پژوهش، روش گرندآوری تئوری بوده که جامعه آماری آن دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بوده‌اند که گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته صورت پذیرفت. در این پژوهش یافته‌ها حاکی از آن بود که مجردگزینی بستری مناسب برای بی‌اعتنایی به ازدواج، تأخیر در سن ازدواج، احساس ناتوانی عاطفی، ترس از آینده و... است.

حسینی و همکاران (۱۳۹۶) نیز پژوهشی با عنوان «واکاوی دلالت‌های معنایی ازدواج نزد جوانان (مطالعه موردی جوانان مجرد ساکن شهر تهران سال ۱۳۹۶)» با هدف بررسی و شناخت تصویر ذهنی جوانان به ازدواج انجام داده‌اند. در این پژوهش تأثیر چهار مؤلفه ترس، لذت‌گرایی، بی‌میلی و بی‌ارزشی اصول فرامادی، بر تأخیر در ازدواج جوانان مشهود است. این مطالعه از طریق رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی انجام شده است که ۲۸ نفر از جوانان مناطق مختلف شهر تهران از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند.

بررسی پیشینه تحقیق با توجه به مورد مطالعه این پژوهش که دختران مجرد شهر یاسوج را در بافت فرهنگی خاص خود با رویکرد کیفی مورد بررسی قرار می‌دهد، نشان از آن داشت که تحقیقی مستقیماً موضوع مورد پژوهش را بررسی نکرده اما مطالعاتی وجود دارد که به شکل غیرمستقیم با موضوع مورد بحث در این مقاله ارتباط دارند. همان‌طور که مرور مطالعات انجام شده نشان می‌دهد، غالب پژوهش‌ها رویکردی آسیب‌شناسانه، جامعه‌شناختی و یا جمعیتی، از پدیده مجرد و دختران مجرد ارائه داده‌اند و اغلب نیز به‌طور کلی به مطالعه این پدیده پرداخته‌اند، این در حالی است که پدیده تأخیر در سن ازدواج به واسطه بسترها و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مختلف هر منطقه ممکن است به‌گونه‌ای متفاوت درک و معنا شده و ابعاد گوناگونی پیدا نماید.

از این رو در این پژوهش با عنایت به لزوم مطالعه پدیده‌ها در بستر و زمینه‌های مختص به خود، فهم و درک دختران مجرد از بسترها و زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی بر تأخیر سن ازدواج با استفاده از روش تحقیق کیفی مورد مطالعه و واکاوی قرار گرفته است. این تحقیق از آن جهت با تحقیقات پیشین متمایز است که سعی دارد با رویکردی کیفی، پدیده مجرد و فهم دختران مجرد شهر یاسوج را از بسترها و زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی مورد مطالعه قرار داده، ابعاد پنهان و پیچیده این پدیده را بنا بر روایت و درک خود دختران و با عنایت به تجربیات زیسته آنها واکاوی و فهم نماید.

چارچوب مفهومی

در این مطالعه جهت فهم بسترها و زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی «تأخیر در سن ازدواج» می‌توان نظریه‌های ذیل را به عنوان چارچوب مفهومی، مورد ارجاع و استناد قرار داد.

نظریه بازاندیشی گیدنز:

از نظر گیدنز شیوه‌هایی از زندگی فردی یا اجتماعی که از اروپای سده هفدهم شروع و با نفوذی عمیق گسترش جهانی پیدا کرد، سه مشخصه اساسی دارد که شامل، شتاب دگرگونی، پهنه دگرگونی و ماهیت ذاتی تحولات حاصل از آن است، که در شرایط مدرنیته، شتاب تغییرات بیشتر می‌شود. از این رو دگرگونی‌ها را به مرور در سطح زیادی ایجاد می‌کند و نهایتاً با تولید و بازتولید صور جدیدی از زندگی فردی و اجتماعی تحولات را شدت می‌بخشد، اما یکی از ویژگی‌های این دوره، دو لبه بودن آن است. از این رو علاوه بر آنکه مدرنیته می‌تواند اثرات مثبت و اثرگذاری بر زندگی داشته باشد، جنبه‌های پرخطری نیز دارد، که نمی‌توان نسبت به آن بی‌توجه بود (گیدنز^۱، ۱۳۹۲: ۲۸).

فرآیند جهانی شدن با تحولات بنیادینی که در نهادهای مختلف ایجاد می‌کند، شیوه‌ها و سبک‌های جدیدی از زندگی را رقم می‌زند. یکی دیگر از مؤلفه‌های اثرگذار، ارتباطات اجتماعی است که با نگرش جوانان به ازدواج نسبت مستقیمی دارد. امروزه در طی پدیده

مدرنیزاسیون، الگوهای جدیدی از ارتباطات اجتماعی شکل گرفته است، که در بطن شبکه‌های مجازی و اجتماعی اشکال تازه‌ای از روابط را پدید می‌آورد. با شکل‌گیری روح فردگرایی، زندگی افراد تجربه محور می‌شود و به اکتشافات جدید از رهگذر این ارتباطات دست می‌زنند. این جامعه شبه مدرن، از زمانی که با مدرنیته مواجه شد، به نوعی دچار گسست نسبت به زیست سنتی و ارزشی پیشین خود شده است، لذا جامعه در یک بی‌ارزشی به معنای مجازی به سر می‌برد. از این رو افراد خود را در وضعیتی می‌بیند که تا پیش از این سنت، به او حق خود تعیین‌گری در رابطه همه‌جانبه اجتماعی را نمی‌داده است و اکنون این امکان برای او فراهم شده است، بنابراین دست به هویت‌جویی دوباره‌ای می‌زند که گیدنز آن را قدرت بازاندیشی می‌داند (کاوه فیروز و صارم، ۱۳۹۶: ۹۲). از طرفی در جامعه امروزی به موازات افزایش دامنه ارتباطی نیز بی‌اعتمادی و دورویی افزایش یافته و این فقدان اعتماد از بعد اجتماعی آن فراتر رفته و به سطح خانواده کشیده شده است (گیدنز، ۱۳۸۱: ۴۵۳-۴۵۴)، مسئله‌ای که امروزه اکثر جوامع با آن مواجه هستند.

نظریه ارزش‌های فرامادی گرایی اینگلهارت:

بر اساس تئوری ارزش‌های فرامادی گرایی اینگلهارت، دگرگونی‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هماهنگ با یکدیگر و در ارتباط با تغییرات نسلی، بر اساس الگوهایی منسجم پیش می‌روند و جهان را به شیوه‌هایی قابل پیش‌بینی دگرگون می‌سازند، اما مسئله مهم این است که سیر دگرگونی‌های اجتماعی را به‌طور دقیق هیچ‌کس نمی‌تواند پیش‌بینی کند. با این همه چنانکه این نظریه تصریح می‌کند، جامعه در ساحت‌های فرهنگی و ارزشی نیز به موازات صنعتی‌سازی و جهانی‌شدن، دست‌خوش تغییراتی می‌شود که می‌توان به تحولات خانواده از جمله افزایش سن ازدواج اشاره کرد. همچنین رونالد اینگلهارت معتقد است که در جوامع سنتی، مدرن و پست‌مدرن ارزش‌ها برای مردم جامعه متفاوت است و می‌توان دلیل ترجیح تنها زیستن را تغییر ارزش‌های مادی به فرامادی دانست (اینگلهارت^۱،

واکاوی فهم دختران مجرد از زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی...، میرحسینی و حسین‌زاده | ۳۸۳

۱۳۹۵: ۳۷۰). بنابراین نظریه تحولات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه ناشی از بازاندیشی نگرشی و ارزشی است که به از هم گسیختگی نسلی منتهی شده است (گنجی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۹۹).

نظریه کارکردگرایی اشتغال پارسونز:

در نظریه کارکردگرایی اشتغال پارسونز چهار خرده نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی وجود دارد که با یکدیگر در ارتباط و تعامل هستند و هر کدام کارکرد و نقش خاص به خود را جهت نیل به اهداف، حفظ و تداوم الگوها، ایجاد انسجام اجتماعی و ارتباط با شرایط محیطی را بر عهده دارد. بنابراین بر اساس این نظریه در جامعه، کار ارزشی محوری پیدا می‌کند، به گونه‌ای که اشتغال و داشتن یک شغل، اساسی‌ترین وجه زندگی فرد در نظر گرفته می‌شود، زیرا داشتن پایگاه اقتصادی و اجتماعی مناسب، بر حسب شغل مناسب و استقلال اقتصادی سنجیده می‌شود و جایگاه وی را در جامعه تعیین می‌کند.

در نتیجه می‌توان گفت اقتصاد (شغل) و خانواده دو نهاد اجتماعی مرتبط و پیوسته در نظام اجتماعی به شمار می‌رود. آنچه پارسونز در نظر می‌گیرد این است که ارتباطات و تعاملات بین خرده نظام‌های جامعه زمینه ازدواج و تشکیل خانواده را فراهم می‌کند به طوری که برای ازدواج، داشتن شغل و مسکن مناسب جزء ضروریات است، بدین ترتیب می‌توان گفت شغل مناسب از جمله موانعی است که در تعیین سن ازدواج نقش بسیار مهمی دارد (تاج‌بخش و نصیری، ۱۴۰۰: ۹۱).

نظریه تورم رکودی:

بنا بر نظریه تورم رکودی کاهش معنادار چهار عامل اشتغال، درآمد، تجارت و تولید از مؤلفه‌های ایستایی تورمی در جامعه است. از این رو اگر جامعه با رشد و رونق اقتصادی فراگیر مواجه باشد، تمایل مردم برای ازدواج بیشتر است، در غیر این صورت در دوره‌های

زمانی که جامعه با بحران و رکود اقتصادی مواجه است شاهد بی‌رغبتی و رویگردانی جوانان از تشکیل خانواده، افزایش سن ازدواج یا تأخیر آن روبه‌رو خواهیم بود (تاج‌بخش و نصیری، ۱۴۰۰: ۹۰-۹۱).

در اینجا می‌توان الگویی مفهومی را با توجه به خصلت چندبعدی تحولات زیستی و انسانی، جهت درک و فهم آثار اقتصادی و اجتماعی بر پدیدهٔ مجرد و افزایش سن ازدواج بر اساس نظریات بیان‌شده ترسیم نمود که بدین منظور با اتخاذ تلفیقی از چندین نظریهٔ مرتبط این مهم حاصل می‌شود. در نهایت طبق این نظریات مشکلات جوانان و موانع ازدواج، ناشی از مجموعه‌ای از مسائل اقتصادی و اجتماعی متفاوتی است که با جهانی‌شدن تغییر و تحولات، رشد شهرنشینی و صنعتی شدن یا به عبارتی مدرنیزاسیون، روحیهٔ فردگرایی گسترش پیدا کرده و به کمک ارتباطات ایجادشده از طریق رسانه‌ها، تغییرات نگرشی و ارزشی افزون می‌یابد که منجر به بازاندیشی در عقاید می‌شود؛ بر همین مبنا نیز خانواده تحولاتی را تجربه خواهد کرد که از جمله این تغییر و تحولات می‌توان به تأخیر در سن ازدواج اشاره کرد، این عوامل در کنار مشکلات اقتصادی و نبود شرایط و امکانات رفاهی برای تشکیل زندگی بر مسئله تأخیر در ازدواج اثری مضاعف خواهد داشت.

مفاهیم حساس نظری

در این بخش سه مفهوم مدرنیزاسیون، بازاندیشی و از هم گسیختگی نسلی در قالب مفاهیم حساس نظری و به عنوان ابزاری جهت تحلیل بهتر یافته‌ها از چارچوب مفهومی این پژوهش استخراج و در ادامه تعریف شده‌اند.

مدرنیزاسیون:

صنعتی شدن و نوسازی از جمله مفاهیم کلیدی در تغییرات اجتماعی هستند. آنچه جوامع صنعتی را ایجاد کرد، صنعتی شدن بود و مدرن شدن در نتیجهٔ مدرنیزاسیون پدید آمد. یکی از جنبه‌های مهم توسعه صنعتی اهمیت تملک فرهنگی است که ارزش‌ها و

هنجارهای آن تحت شکل اجتماعی سرمایه‌داری توسعه یافته است. مدرنیته نه تنها شامل متغیرهای بیرونی، بلکه انتقال نگرش‌ها، نظرات و رفتارها، یعنی عناصر فرهنگ است. در نتیجه، ارزش‌های پست‌مدرن را این‌گونه در جوامع صنعتی پیشرفته ایجاد می‌کند (خالقی‌فر، ۱۳۸۱: ۱۰۴-۱۰۳). اینگلهارت در این باره می‌گوید: یک تغییر فرهنگی بسیار قوی در غرب مدرن رخ داده است. علاوه بر این معتقد است؛ افزایش سطح توسعه اقتصادی، سطوح بالای آموزش، توزیع رسانه‌های جمعی، تغییراتی را در مهم‌ترین ارزش‌ها ایجاد می‌کند (Marrisa, 2000: 236).

بازاندیشی:

انعکاس فرآیند تعریف و بازتعریف خود از طریق مشاهده و تأمل در اطلاعات مربوط به مسیر زندگی است. بازاندیشی به مکانیسم‌های زندگی اشاره دارد که رفتار انسان را تنظیم و کنترل می‌کند، و در فرهنگ‌های سنتی و مدرن متفاوت است. بازاندیشی در زندگی اجتماعی مدرن مستلزم ارزیابی و بازنگری مداوم از عملکردهای اجتماعی در پرتو اطلاعات جدید است که اساساً ماهیت آن‌ها را تغییر می‌دهد (گیدنز، ۱۳۹۲: ۴۷). البته این در سطح نهادی منظور است. در سطح فردی، بازاندیشی «فرآیندی است از تعریف و بازتعریف خود با مشاهده و تأمل در اطلاعات روانشناختی و اجتماعی در مورد شیوه‌های ممکن زندگی، یعنی رفتار و عملکردهای اجتماعی دائماً آزمایش می‌شوند و بر اساس اطلاعات به دست آمده در این مورد دستورات اجتماعی، تغییر یافته و اساساً دائماً در حال تغییر است» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۶).

از هم گسیختگی نسلی:

شکاف نسلی، تفاوت در دانش، نگرش و رفتار بین دو نسل می‌باشد که علیرغم ارتباطات زیاد متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. اگرچه فرزندان در

مقایسه با افراد مسن و میانسال، در فضای فرهنگی نسبتاً یکسانی زندگی می‌کنند، اما آن‌ها اطلاعات، نگرش‌ها و رفتارهای متفاوتی دارند. آنچه در اینجا مهم و شایان ذکر است، این است که شکاف نسلی با تضاد متفاوت می‌باشد، زیرا در شکاف نسلی، واحدهای نسلی با وجود تجربیات متفاوت، عموماً با فرهنگ و نسل اجتماعی مرتبط هستند. اما اگر شاهد کشمکش باشیم، تعارضاتی بین دو موقعیت نسلی به جای تعامل رخ می‌دهد. شکاف نسلی در نتیجه فاصله نسلی ایجاد شده در دوران بحران ظهور می‌یابد، و عمدتاً پیامد ایجاد نظام‌ها و هنجارهای ارزشی جدید در گروه‌های سنی جوان با ویژگی‌های فرهنگی جدید، اعم از مادی و غیرمادی هستند، که به واقعیت تبدیل می‌شوند (شیخی، ۱۳۸۰: ۲۷۰).

روش پژوهش

روش تحقیق در این مطالعه کیفی و با عنایت به اینکه فهم تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان مدنظر است، از نوع پدیدارشناسی است. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه از نوع عمیق و نیمه ساختاریافته است که به جهت شرایط خاص بهداشتی ناشی از بیماری کووید ۱۹، مصاحبه‌ها به دو صورت حضوری و غیرحضوری صورت گرفت. برای انجام مصاحبه در تحقیق کیفی غالباً به شکل رودررو و بر اساس ارتباطات کلامی و غیرکلامی، محقق گفت‌وگو را به سمت مبسوط، مشخص بودن و جزئی شدن مباحث، سوق می‌دهد. یکی دیگر از شیوه‌های مصاحبه در روش کیفی، مصاحبه آنلاین است که می‌تواند به صورت هم‌زمان و غیر هم‌زمان انجام شود، در مصاحبه هم‌زمان محقق با شرکت در اتاق‌های گپ می‌تواند به صورت آنلاین با مشارکت‌کنندگان تماس بگیرد، از طرفی در مصاحبه غیر هم‌زمان پژوهشگر سؤالات مصاحبه خود را برای مخاطبان ارسال می‌کند و پس از مدتی پاسخ‌ها را دریافت می‌کند (فلیک^۱، ۱۳۸۷: ۲۸۷).

1. Flick

در این پژوهش مصاحبه‌ها از طرق مختلف به صورت مصاحبه حضوری و مصاحبه‌های غیرحضوری به دو نحو آنلاین (تماس صوتی-تلفنی) و آفلاین با ارسال سؤالات در پیام‌رسان واتساپ و دریافت پاسخ‌ها انجام شد. در مصاحبه‌های آفلاین نیز تلاش شد تا از طریق شکل‌گیری فضای تعاملی و گفتگویی به فهم دقیق‌تری از آنچه مدنظر مشارکت‌کنندگان در این پژوهش است، دست یافت. سه مورد از مصاحبه‌ها به آن دلیل که پاسخ‌دهنده به زبان بومی و محلی منطقه صحبت کرده بود، ترجمه و به زبان فارسی رسمی برگردان شد.

نحوه گردآوری داده و انتخاب نمونه‌ها:

واحد تحلیل در این مطالعه دختران مجردی هستند، که مهم‌ترین معیار انتخابشان علاوه بر مجرد، سن آن‌ها و سکونت در شهر یاسوج بوده است. حداقل سن مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۵ سال در نظر گرفته شده است. علت این گزینش توجه به بافت فرهنگی و نسبتاً سنتی منطقه است که به نحوی تأخیر سن ازدواج بیش از ۲۵ سال را شرایطی غیرمعمول می‌پندارند و به‌نوعی مجرد و تأخیر در ازدواج دختران در این منطقه تبدیل به مسئله اجتماعی شده است. علاوه بر این طبق آخرین آمار سایت ملی آمار ایران در سال ۱۳۹۵، میانگین سنی ازدواج ۲۳/۴ بوده است و افراد با سنین بالاتر در منطقه مذکور به‌نوعی با تأخیر سن ازدواج مواجهند.

در این پژوهش انتخاب نمونه‌ها هدفمند بوده است، بدین صورت که افراد مشارکت‌کننده از طریق شناخت قبلی توسط مصاحبه‌گر و یا معرفی از جانب دیگران و به صورت گلوله برفی انتخاب شده‌اند. با این حال به لحاظ رعایت ملاحظات اخلاقی، در ابتدا اهداف تحقیق و نحوه انجام مصاحبه برای افراد شرح داده شد و پس از اعلام رضایت آگاهانه از سوی آنها، مصاحبه انجام شده و به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده شده که مصاحبه‌ها کاملاً محرمانه خواهد بود.

به منظور رعایت حداکثر گوناگونی، تلاش شده تا افراد با سطوح تحصیلات و همچنین سن و وضعیت شغلی متفاوت در این تحقیق مشارکت نمایند. از این‌رو

۳۸۸ | فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی | سال چهاردهم | شماره ۵۷ | زمستان ۱۴۰۲

مشارکت‌کنندگان در گستره سنی ۲۶ تا ۳۸ سال قرار دارند و از نظر سطح تحصیلات نیز دارای تحصیلات متفاوتی از زیر دیپلم تا کارشناسی ارشد می‌باشند. همچنین هر کدام از آن‌ها بسته به موقعیت‌های مختلف کارمند، دارای شغل آزاد، دانشجو و خانه‌دار بودند. نمونه‌گیری در این پژوهش تا زمان اشباع داده، یعنی تا جایی که مفاهیم جدیدی از مصاحبه‌ها استخراج نشد، ادامه پیدا کرد. در نهایت ۲۰ دختر با مشخصات ذکر شده در جدول (۱) در این پژوهش مشارکت کردند.

جدول ۱- سیمای مصاحبه‌شوندگان

نام مستعار	سن	تحصیلات	رشته	شغل
الهام	۳۳	لیسانس	فقه و حقوق	فروشنده مواد غذایی
اعظم	۲۶	لیسانس	مترجمی زبان	دانشجو
آزاده	۳۳	لیسانس	حقوق	خانه‌دار
نرگس	۲۸	دوم دبیرستان	-	آرایشگر
زینب	۳۶	کارشناسی ارشد	روانشناسی کودکان استثنایی	کارمند بهزیستی
معصومه	۳۴	لیسانس	حسابداری	کسب‌وکار خانگی
ماریا	۲۹	لیسانس	روانشناسی	خانه‌دار
فرشته	۳۴	کارشناسی	مامایی	ماما
ثریا	۳۶	ابتدایی	-	خانه‌دار
فاطمه	۳۲	کارشناسی ارشد	پرستاری	پرستار
زهرا	۳۴	لیسانس	عمران	خانه‌دار
سارا	۳۱	لیسانس	روانشناسی	فروشنده صنایع دستی
فروزان	۳۸	لیسانس	علوم قرآنی	خانه‌دار
صدیقه	۳۲	لیسانس	فیزیک	خانه‌دار
شهلا	۳۷	دیپلم	-	خانه‌دار
محدثه	۳۱	لیسانس	مدیریت	خانه‌دار
پریسا	۳۶	دیپلم	-	خانه‌دار
نازنین	۳۵	سوم راهنمایی	-	خیاط
پروین	۳۴	لیسانس	روانشناسی	خانه‌دار
مرضیه	۳۱	کارشناسی ارشد	مهندسی کامپیوتر هوش مصنوعی	دانشجو

روش تحلیل داده‌ها:

در مرحله تحلیل داده‌ها از روش هفت مرحله‌ای کلایزی استفاده شد؛ در این خصوص کلایزی هفت گام را تا رسیدن به هدف اصلی مشخص می‌کند در اولین مرحله از فرایند تحلیل داده‌ها، ابتدا متن مصاحبه به صورت دقیق و مکرر گوش داده شد و اظهارات شرکت‌کننده کلمه به کلمه یادداشت شده و جهت درک بیشتر تجارب و احساسات شرکت‌کنندگان چندین بار متن پیاده شده، مطالعه شده است. در مرحله بعدی توصیفات و جملات مهم از دل مصاحبه‌ها مشخص شده و در مرحله سوم مفاهیم مرتبط با توصیفات استخراج می‌شود.

در واقع در این مرحله سعی شده یک مفهوم که نشان‌دهنده تفکر فرد در خصوص عبارات است، تعیین گردد و از صحت ارتباط بین مفاهیم تدوین شده و عبارات اطمینان حاصل شود. در چهارمین مرحله مفاهیم استخراج شده مورد مطالعه قرار گرفته و بر اساس تشابه دسته‌بندی شده‌اند که در مرحله پنجم از مقایسه و ادغام آنها دسته‌های کلی‌تری تشکیل شده است. در ششمین مرحله با بیانی بدون ابهام، تلاش شده تا توصیف جامعی از پدیده ارائه شود و در مرحله آخر نیز جهت اعتبار بخشی به پژوهش به نقل قول‌ها ارجاع شده است.

در این مطالعه همچنین برای افزایش اعتبار داده‌ها از طریق روش کدگذاری مجدد، مشورت با سایر متخصصین در موضوع و مقایسه با سایر پژوهش‌ها این کار صورت می‌گیرد. در پژوهش حاضر به منظور افزایش اعتبار و پایایی تحقیق از شیوه‌هایی نظیر کنترل مجدد و کنترل اعضا به معنای کسب اطمینان از فهم درست آنچه مصاحبه شونده‌ها در طول مصاحبه بیان داشته‌اند، از طریق رد و بدل کردن اطلاعات و مراجعه مجدد به مصاحبه شونده و همچنین به اشتراک گذاشتن مفاهیم و مقوله‌ها با افراد متخصص و رسیدن به اجماع و استناد به نقل قول‌ها و روایت‌های مشارکت‌کنندگان، استفاده شده است. در نهایت در بخش نتیجه‌گیری نیز تلاش شده تا با ارجاع به چارچوب مفهومی و ادبیات

تجربی تحقیق، یافته‌های پژوهش تحلیل شود که این عمل نیز با هدف افزایش اعتبار یافته‌های تحقیق صورت گرفته است.

یافته‌های تحقیق

در مجموع در این مطالعه ۳ مقوله اصلی به شرح جدول ۲ مورد شناسایی و دسته‌بندی قرار گرفت: «عدم مطلوبیت اقتصادی ازدواج»، «انتظارات اجتماعی-اقتصادی تعمیم‌یافته» و «تغییر و تحولات ارزش‌ها و هنجارهای خانواده». این مقولات مجموع نظراتی است که زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی-اقتصادی تأخیر در سن ازدواج مصاحبه‌شوندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۲- توصیف مقوله‌ها و مفاهیم

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
نگرانی به خاطر مشکلات مالی در آینده-اقتصاد بد و ترس از قبول مسئولیت-طفره از ازدواج به خاطر مشکلات اقتصادی- ازدواج نکردن به خاطر ناتوانی در تأمین مالی خانواده	پیچیدگی شرایط اقتصادی و ترس از آینده تشکیل خانواده	عدم مطلوبیت اقتصادی ازدواج
نبود سازوکار حمایتگری دولت-لزوم وجود ضامن برای اخذ وام-بازپرداخت زودهنگام وام به فاصله یک ماه پس از دریافت-اقساط کوتاه مدت- تسهیلات ناکارآمد	ناکارآمدی طرح‌های حمایتی	
مسکن شرط شروع زندگی-ازدواج مشروط به استقلال مالی- سن ازدواج دختر در گرو شرایط مالی پسر-داشتن شغل ثابت به عنوان پشتوانه	سیطره ملاک‌های اقتصادی بر امر ازدواج	
نگرانی از فراهم نبودن شرایط کاری-عدم مسئولیت‌پذیری به خاطر هزینه‌ها-بیکاری و ناتوانی در تأمین هزینه‌های زندگی- مشکلات بازار کار و نداشتن شغل ثابت- ترس از ناامنی شغلی و مطالبه شغل ثابت	چالش‌های شغلی و ترس از ازدواج	
به هم‌ریختگی بازار اقتصادی و سختی جهیزیه خریدن- تجملات مانعی بر راه ازدواج-فرار از ازدواج به خاطر جهیزیه	تجملات فزاینده و دشواری‌های تهیه جهیزیه	

انتظارات اجتماعی - اقتصادی تعمیم یافته	هم‌کفوی اقتصادی و انتظارات اجتماعی - اقتصادی پسران	هم‌کفوی اقتصادی - اهمیت طرفینی پایگاه اجتماعی اقتصادی خانواده‌ها - مجرد ماندگی دختران به خاطر انتظارات پسران
	مطالبه توازن تحصیلی و مالی در دختران و جاماندگی پسران	توقع بالای زنان شاغل - استقلال مالی و عدم وابستگی - تمایل به تحصیلات بیشتر - تحمیل تحصیلات بر ازدواج از طرف جامعه - ترجیح تحصیل بر ازدواج ریسک دار - نبود توازن بین تحصیل و ازدواج - جاماندگی پسران در تحصیل و گهگاه اشتغال
تغییر و تحولات ارزش‌ها و هنجارهای خانواده	ترس از خیانت همسر و بی‌اعتمادی فزاینده	بی‌اعتمادی به مردان - نمود بیشتر خیانت در جامعه - درک و شنیدن تجارب دیگران از زندگی‌های ناموفق
	مهریه به‌مثابه تضمینی برای ازدواج	مهریه به عنوان تضمین زندگی - دوام و استحکام خانواده منوط به مهریه زیاد - مهریه راهی برای تأمین نیازهای پس از طلاق - نبود اعتماد و مهریه زیاد
	تغییر نگرش‌های نسلی و کم‌رنگ شدن نقش خانواده	فرزند محوری در انتخاب همسر - حمایت بیشتر خانواده‌ها در گذشته - تفاوت نگرش‌های اقتصادی و اجتماعی در گذشته و امروز -
	سایه ذائقه سازی رسانه بر امر ازدواج	ذائقه‌های شکل گرفته توسط فضای مجازی - بالا رفتن توقعات - تغییر ایده‌آل‌ها

عدم مطلوبیت اقتصادی ازدواج

بر اساس مطالعه مصاحبه‌های عمیق کیفی صورت گرفته از مجموع مقولات جزئی اکتشافی، ۴ مقوله فرعی شامل «پیچیدگی شرایط اقتصادی و ترس از آینده تشکیل خانواده»، «ناکارآمدی طرح‌های حمایتی»، «سیطره ملاک‌های اقتصادی بر امر ازدواج» و «چالش‌های شغلی و ترس از ازدواج» به دست آمد که دربرگیرنده روایت مشارکت‌کنندگان از بسترها و زمینه‌های اقتصادی تأخیر در سن ازدواج است؛ عوامل متفاوتی تأخیر ازدواج و بسترها و زمینه‌های آن را فراهم نموده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها معضل بیکاری و نداشتن شغل دائم جوانان است. این تجربه بیکاری و نداشتن منبع درآمدزا در

میان جوانان موجب افزایش مدت زمان مجرد شده است؛ همچنین ملاک‌هایی اقتصادی تسلط یافته و عدم حمایت‌های مادی از جانب ساختار نیز این مسئله را تشدید نموده است.

پیچیدگی شرایط اقتصادی و ترس از آینده تشکیل خانواده:

پیچیدگی شرایط اقتصادی گاهی زندگی کسانی که شغل ثابت با درآمدی ثابت دارند را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد، همین مسئله و تجربه تلخ زندگی سخت دیگران به خاطر مشکلات اقتصادی و یا ترسی که به خاطر برنیامدن از پس مخارج زندگی وجود دارد از جمله زمینه‌هایی است که دختران را برای ازدواج مردد می‌کند.

«... شرایط اقتصادی مهمه، من هم قطعاً این موردو در نظر دارم و واقعاً یکی از دلایلی که رغبت نداشتم و نمی‌کنم با برخی از خواستگارا حتی حرف بزنم و خیلی مواقع طفره رفتم، مسئله اقتصادی، چون وضعیت طوریه الآن که حتی بعضی کارمندا هم نمیتونن تأمین کنن زن و بچه رو...» (صدیقه ۳۲ ساله).

چالش‌ها و مسائل اقتصادی در برخی خانواده‌ها و ترس ناشی از آن، موجب شده تا برخی دختران مشارکت‌کننده، تحصیل با هدف فراهم نمودن زمینه تأمین مالی را جایگزین ازدواج نمایند.

«هم اقتصاد خانواده مؤثر بوده، هم وضعیت اقتصادی طرف مقابلم، بودن کسایی که خوب بودن ولی از نظر اقتصادی ضعیف بودن، ردشون کردم، از اون طرف چون وضعیت اقتصادی خانواده‌ام خوب نبود باعث شد به این فکر کنم که باید درس بخونم، به جایی برسم به خانوادم کمک بدم، پس الآن ازدواج نمی‌کنم، تا الآن که خیلی به این فکر کردم...» (فرشته ۳۴ ساله).

ناکارآمدی طرح‌های حمایتی:

از جمله حمایت‌هایی که در طی سال‌های گذشته برای تسهیل ازدواج جوانان در نظر گرفته شد می‌توان به وام‌های ازدواج، همچنین وام ودیعه مسکن و وام‌های ازدواج

دانشجویی اشاره کرد، آنچه در گفته‌ی مصاحبه‌شوندگان مشهود بود، ناکارآمدی نسبی این وام‌ها به دلیل شرایط سخت اقتصادی و تورم و گرانی است. از این بین عمومی‌ترین، رایج‌ترین و درعین حال شناخته‌شده‌ترین طرح وام‌های ازدواج است که از دو نظر نیز این طرح ناکارآمد است اول شرایط سخت اخذ وام و دوم شرایط سخت بازپرداخت آن است. در شرایط فعلی، جهت دریافت وام ازدواج شرایطی وجود دارد که خود مانعی برای دریافت آن است، از جمله این شرایط داشتن ضامن‌های معتبر و پرداخت قسط‌هایی است که در توان همه‌ی افراد نیست و فراهم کردن ضامن یا پرداخت آن برای همه‌ی جوانان میسر نیست.

«...وام ازدواج خوبه اما نه این جورى که دولت میده مثلاً فرض کن من می‌خوام یه وام ازدواج ۱۰۰ میلیونی بگیرم شاید حداقل دو الی سه تا ضامن داشته باشم بعد آگه امروز ۲۵ و ۲۶ ماه باشه من وام رو گرفتم ماه بعدی باید پشت سرش قسط پرداخت کنم یعنی منی که سی سال دستم خالی بوده چطور تو این یه ماه سرمایه‌دار شدم که بتونم قسط بدم؟ خب پرداخت قسط‌هاشون هم در توان یه کارگر نیست الآن این وام‌ها تشویق‌کننده نیستن خیلی‌ها که نمی‌تونن وام رو بگیرن میدننش به یه نفر دیگه که نیازش داره و میتونه قسط رو پرداخت کنه و یه مقدار خیلی کمی از وامو بعنوان شیرینی ازش میگیره اگر کسی نبود که هیچ بیخیالش میشه...» (ثریا ۳۶ ساله).

همان‌طور که در این نقل‌قول ذکر آن رفت به دلیل شرایط سخت بازپرداخت وام‌های ازدواج، وام به زوجینی که توان بازپرداخت دارند اعطا می‌شود و زوج‌هایی که به دلیل بیکاری و یا نداشتن شغل ثابت توان بازپرداخت وام ندارند، از دریافت آن محروم هستند. یکی دیگر از مسائل در رابطه با وام‌های ازدواج ناتوانی در بازپرداخت آن است، خصوصاً در شرایطی که مرد به عنوان تأمین‌کننده‌ی خانواده، درآمد و شغل ثابتی نداشته باشد و یا تناسبی بین درآمد و پرداخت قسط‌ها وجود نداشته باشد.

«.... وام‌های ازدواج نمیدونم ۲۰۰ تومنه چقده؟ شاید یه گوشه کنار یه بگیره ولی به کجاشون به کدوم درد آدم برسه، من خواهر خودم ازدواج کرد وامی که

بهشون دادن حدود ۵ تا ۱۰ تومنشو که بهشون ندادن، حالا فرض بگیریم مرد هم
یه درآمد بخور و نمیری هم داشته باشه، درآمدو بده بابت پوشک؟ هیچ سقفی هم
بالای سرش نیست بده به رهن؟ بده قسط وام؟ دقیقاً چه کار کنه؟...» (زهره ۳۴
ساله).

سیطره ملاک‌های اقتصادی بر امر ازدواج:

ازدواج مشروط با بالا رفتن سطح انتظارات چه معقول و چه غیرمعقول در شرایط
اجتماعی و اقتصادی فعلی یکی از نکات اساسی است که اغلب مصاحبه‌شوندگان به آن
اشاره داشتند، فارغ از مباحث اخلاقی و ارزشی که سنگ بنای ازدواج است، مسائل
اقتصادی و خصوصاً سه مسئله اشتغال، در پی آن درآمد یا استقلال مالی و نهایتاً مسکن
مستقل، از جمله انتظارات اولیه‌ای است که در گفته‌ها مشهود بود.

«...خیلی از آدمایی که الآن همه چی دارن اول ازدواج نداشتن ولی خونه
حداقل باید ماشین داشته باشه یا اگر ماشین نداره بدونم یه شغل با درآمد ثابت داره
که بتونیم به پشتوانش وام زیاد بگیریم برا خرید ماشین، من به شخصه بین پسری
که عاشقمه و هیچی نداره و تلاشی هم برای زندگیش نمیکنه و کسی که خونه و
زندگیش تکمیله ولی بهم معرفی شدیم بی شک دومی رو انتخاب می‌کنم...»
(الهام ۳۳ ساله).

در کنار عواملی چون مشکلات اقتصادی و ناکارآمدی طرح‌های دولتی، عامل سومی
در قامت خانواده با توقعات و انتظارات اقتصادی خاص، زمینه‌ی بالا رفتن سن ازدواج را
ایجاد می‌کند.

«من قبلاً نامزدی بی‌نتیجه‌ای با پسر داییم داشتم از بچگی با هم بزرگ شدیم
ولی خب خانواده داییم به نسبت ما وضع مالی خوبی نداشتن به خاطر همین بعد
سه سال که پسر داییم نتونست کار پیدا کنه هیچی هم از خودش نداشت خانواده‌ام
نامزدی رو بهم زدن... الآن راننده تاکسیه» (نرگس ۲۸ ساله).
و یا مشارکت‌کننده دیگری در این خصوص می‌گوید:

«...کسی که خونه مال خودش باشه، ماشین هم مال خودش باشه، رهن و اجاره و این چیزها هم حالیم نیست، آگه طرف نداشت، توی خونه بابام میمونم، تو اتاق خودم، خیلی راحت...» (اعظم ۲۶ ساله).

چالش‌های شغلی و ترس از ازدواج:

با افزایش نرخ بیکاری به‌طور معکوس جامعه شاهد کاهش نرخ ازدواج خواهد بود. به عبارتی بیکاری مردان، یکی از عوامل مداخله‌ای در تأخیر سن ازدواج دختران است. از این‌رو، مشکلات بازار کار و نداشتن شغل ثابت می‌تواند زمینه‌ساز تأخیر در سن ازدواج در جامعه باشد. عدم حمایت‌گری دولت‌ها علاوه بر فراهم نکردن شرایط اشتغال جوانان، گاهی به لغو تعهدات شغلی هم کشیده می‌شود.

«داداش خودم رتبه ۳۰۰ و خورده بورسیه نفت بود، به امید اینکه داداشم بورسیه نفت داره، سال سوم دانشگاه نامزد کرد، از آینده‌اش مطمئن بودیم، جوون خوب، دختر هم خوب، گفتیم خب حالا برا چی مانع بشیم، اینا تو سال سوم دانشگاه نامزد کردن، بعد فارغ التحصیلی وزارت نفت گفت ما نیرو نمی‌خواهیم و اینجوری شغل بچه‌ها رو ازشون می‌گیرن بعد خب ما خیلی تحت فشار بودیم...» (فاطمه ۳۲ ساله).

نکته قابل توجه در روایت مصاحبه‌شوندگان، مطالبه شغل ثابت از همسر آینده است که اغلب تحت تأثیر ترس و نگرانی آنها از ناامنی شغلی و چالش‌های آن بروز می‌یابد.

«...من خودم شخصاً به مسائل مالی خیلی کم اهمیت میدم ولی خوب حداقل ۵۰ درصد برام اهمیت داره بالاخره ترس از آینده دارم آگه کسی بیاد که منبع درآمد ثابت نداشته باشه جواب نمی‌دم چون خودم توی شرایط سختی بزرگ شدم حالا پیام شرایط سخت دیگه‌ای رو هم تحمل کنم...من برای شغل پاره وقت خودم گاهی اینور اونور کار کردم ارزشی نداره، برا همینم تأکیدم شغله ثابت...» (معصومه ۳۴ ساله).

انتظارات اجتماعی-اقتصادی-تعمیم یافته

دومین مقوله مهم که با برهم کنش بسترها و زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی به صورت هم‌زمان بر تأخیر سن ازدواج اثرگذار است، انتظارات اجتماعی-اقتصادی-تعمیم یافته است که خود شامل سه زیرمقوله فرعی «تجملات فزاینده و دشواری تهیه تجهیزات»، «هم‌کفوی اقتصادی و انتظارات اجتماعی پسران» و «مطالبه توازن تحصیلی و مالی در دختران و جاماندگی پسران» است. در این مقوله شاهد آن هستیم که افزایش تحصیلات، با کسب منابع اطلاعاتی جدید و بالا رفتن آگاهی، از جمله عوامل زمینه‌ساز در به تأخیر افتادن پذیرش نقش‌های خانوادگی توسط زنان در گذار از دهه‌های ابتدایی زندگی است، در کنار این عوامل و مضاف بر آن عوامل دیگری همچون نبودن شرایط کاری پسران و عدم توازن تحصیلی و مالی آنان در نسبت به دختران، بر تغییرات و افزایش سن ازدواج نیز به‌نوعی ضریب خواهد داد، در مقابل نیز پسران خواهان گزینه زنان شاغلی هستند که به این واسطه نیز از فشار زندگی‌های پرخرج امروزی با هزینه‌های سرسام‌آور بکاهند؛ در چنین شرایطی به‌طور طبیعی جوانانی که سرمایه اجتماعی و اقتصادی کافی و وافی ندارند، از ازدواج جا می‌مانند.

تجملات فزاینده و دشواری تهیه تجهیزات:

امروزه تجهیزیه به یکی از موانع ازدواج آسان تبدیل شده است، جوانان خصوصاً دخترانی که دغدغه‌های مالی دارند با این موضوع درگیر هستند، زمانی که زوجی تصمیم به تشکیل زندگی می‌گیرند این مسئله نمود بیشتری دارد، به نحوی که علاوه بر دغدغه‌های تهیه مسکن، مخارج عروسی و... تهیه وسایل منزل و زندگی نیز یکی از مسائل درگیر کننده است.

«...الآن نداشتن تجهیزیه حرف و حدیث داره. خوب من دامادمون به خواهرم گفت تجهیزیه مهم نیست و نمی‌خواد بیاری رفتن سر خونه زندگی ولی خوب حرف و حدیث زیاد بود این که چطور تجهیزیه بهش ندادن یا تجهیزیه نیارود و نبرد...» (معصومه ۳۴ ساله).

امروزه در بسیاری از خانواده‌ها تجمل‌گرایی مسئله‌ای غیرقابل‌انکار است به نحوی که در بسیاری از فرآیندهای مربوط به ازدواج از مراسم‌ها و جشن‌ها گرفته تا نحوه خرید اسباب و وسایل شروع زندگی این تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی‌ها مشهود است. «الآن دیگه خیلی چشم و هم‌چشمی‌ها زیاد شده هزینه‌های جهیزیه خریدن خیلی بالاست آگه دقت کنی یکی از بچه‌ها ۲۰۰ و خورده‌ای جهیزیه‌اش شد چون همه چیز گرونه، چشم و هم‌چشمی هم زیاده. مثلاً من دیدم کسی که فقط به خاطر اینکه فلان نفر فلان وسیله واسه دخترش خریده بود، می‌خواست بخره خوب این شرایط بی‌تأثیر روی بالا رفتن سن ازدواج نیست» (ماریا ۲۹ ساله). و یا مشارکت‌کننده دیگری در این خصوص می‌گوید:

«... من خودم اینکه یکی باشه از نظر مالی در حد متوسط باشه برام کافیه بعد از یه جهتی در حال حاضر جهیزیه هم ندارم، شاید آگه کسی بیاد روش تأمل کنم، فکر کنم ولی کلاً الآن با توجه به شرایط اقتصادی خانوادم همچنان تصمیمی برا ازدواج ندارم، به هر حال نگرانیا زیاده...» (سارا ۳۱ ساله).

هم‌کفوی اقتصادی و انتظارات اجتماعی-اقتصادی پسران:

مسئله ازدواج، پدیده‌ای چندبعدی است که قبل، حین و بعد از آن را باید مورد بررسی قرار داد، گاهی ترس از گذشته و یا فرآیند منتهی به ازدواج یا شرایط پس از ازدواج، دختران را برای ازدواج مردد می‌کند، موضوع اختلاف طبقاتی چه از نظر پایگاه اجتماعی و چه اقتصادی و ترس از آینده ازدواج در این شرایط، از جمله مسائلی است که تشدیدکننده تأخیر در سن ازدواج است.

«...گاهی از لحاظ خانوادگی و سطح فرهنگی خانواده‌ها بهم نمی‌خورن... مثلاً پسر از یه خانواده خیلی تاب و اوپن مایند (از نظر اقتصادی) میاد خواستگاری دختری که یه پدر مثلاً کارمند با حقوق بخور نمیر و یه زندگی معمولی و البته عقاید سنتی و مذهبی داره، این وسط دختره باید همیشه جووری برنامه‌ریزی کنه که خودشو به بهترین حالت ممکن جلو خانواده پسر نشون بده، یعنی به اصطلاح

خودشو جویری نشون بده که نیست و همیشه باید ترس اینو داشته باشه که نکنه فلان آبروریزی بشه یا مثلاً فلان رفتار خانوادم به مذاق اونا خوش نیاد یا جهیزیم اون چیزی نباشه که دهن‌پرکن باشه و خلاصه برا فرار از همه این اتفاقات پیش‌بینی شده خودشو راحت میکنه و میگه نه...» (الهام ۳۳ ساله).

در کنار مسئله‌ای که همواره دختران باید مورد انتخاب قرار گیرند و همین مسئله منجر به تأخیر تحمیلی در ازدواج می‌شود، پایگاه اجتماعی و زمینه‌های اقتصادی ضعیفی که گاهی خانواده دختر با آن مواجه هستند مسئله مجرد ماندگی دختران خانواده را تشدید می‌کند و همین مسئله نشان‌دهنده اهمیت هم‌کفوی و سطح انتظارات در جامعه امروزی است.

«...چون خودم از نظر مالی ضعیف بودم الان هم پول برا همه در اولویته نخواستن منو، من همیشه خود فرد، شخصیتش، اخلاق و مردانگی فرد برام مهم‌تر از شرایط اقتصادی بوده، بین من میگم قبلاً اینجوری نبود، الان اینجوری شده که آقا پسر دنبال یه دختر کارمند میگردد دنبال یه پدر خانم مدیرکل میگردد...» (شهلا ۳۷ ساله).

بنا بر تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، به نظر می‌رسد برخلاف گذشته که اکثر پسران ترجیح می‌دادند همسران آینده‌شان خانه‌دار باشند، ملاک انتخاب همسر با تغییر و تحولاتی همراه بوده و پسران میل به انتخاب همسران شاغل پیدا کرده‌اند. بنابراین یکی از عواملی که ازدواج زنان را به تأخیر می‌اندازد و گاهی منجر به مجرد قطعی می‌شود این است که زنان باید در معرض انتخاب قرار بگیرند و اگر زنی حتی تمایل به ازدواج داشته باشد اما فرصتی برای آن فراهم نشود به‌طور ناخواسته باید دوران مجرد را سپری کند، حال عوامل اقتصادی و اجتماعی که می‌تواند زمینه‌ساز این شرایط شود کم نیستند که از جمله آن می‌توان به ملاک و معیارهایی اشاره کرد که در آن پسران خواهان ازدواج با دختران شاغلی هستند که می‌توانند بخشی از هزینه‌های زندگی را به دوش بکشند و از فشارهای اقتصادی زندگی بکاهند.

مطالبه‌توازن تحصیلی و مالی در دختران و جاماندگی پسران:

در شرایط امروزی که با استقبال و افزایش سطح تحصیلات مواجه هستیم به مراتب سطح انتظارات اقتصادی جوانان بیشتر شده است. به صورت ویژه این افزایش سطح انتظارات با استقلال مالی و اشتغال زنان رابطه‌مستقیمی دارد و یکی از دلایل تأخیر در سن ازدواج دختران شاغل، موقعیت نامناسب پسران جوانی است که در بازار کار رقابتی امیدی نسبت به آینده ندارند و از سطح درآمد کمتری نسبت به دختران برخوردارند.

«وقتی زن شاغل میشه به هر حال به استقلال مالی داره به حس عدم وابستگی به دختر میده که دختر و مغرور میکنه، دیگه سخته برایش انتخاب کسی که شبیه خودش نیست توقعش رو میره بالا... بین همکارام که دیدم واقعاً خیلی براشون مهمه، فکر میکنه آگه من ۹ تومن در ماه دریافت می‌کنم ولی حکم طرف مقابل کمتر از این باشه، مشکلی پیش میاد با همچین آدمی ازدواج کنه...» (فاطمه ۳۲ ساله).

در همین راستا (زهره ۳۴ ساله) تأثیر استقلال مالی بر افزایش توقعات و تأخیر در سن ازدواج دختران را بیان می‌کند:

«...اشتغال زنان، تا حدودی به نظرم تأثیر داره، وقتی آدم دستش به دهنش میرسه، توقعش هم بالا میره، تا به موقعیت خوب گیر آدم بیاد می‌بینی سن رفته بالا...»

در کنار ارزشمندی تحصیلات در جامعه که خود عاملی برای سوق دادن افراد به سمت کسب پایگاه‌های اجتماعی است، روحیه کمال‌گرایی زنان و همین‌طور ایجاد نکردن توازن بین تحصیلات و ازدواج خود زمینه‌ای برای تأخیر در سن ازدواج است.

«...تحصیلات رو ترجیح دادم، جامعه هم تحصیلات رو مهم میدونه، و اولویتش کرده... هیچ وقت توازن بین تحصیل و ازدواج برا دخترا ایجاد نکردن، به جای اینکه بگن باید پسر رو به حدی برسونیم که آگه دختر درس می‌خونه توقعش میره بالا، پسر بتونه نیازها رو برطرف کنه، می‌گن مشکلات ازدواج به خاطر درس دختره‌ست، هرچند برا ازدواجشون هم برنامه‌ای ندارن...» (فرشته ۳۴ ساله).

تغییر و تحولات ارزش‌ها و هنجارهای خانواده

بنا بر تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده یکی از مهم‌ترین مسائلی که در بحث افزایش سن ازدواج با آن مواجه هستیم، تغییر و تحولات ارزش‌ها و هنجارهای خانواده است که توانسته به‌نوعی زمینه‌نگرانی و امتناع از ازدواج را میان مصاحبه‌شوندگان بوجود آورد که در ۴ مقوله فرعی «ترس از خیانت همسر و بی‌اعتمادی فزاینده»، «مهریه به‌مثابه تضمینی برای ازدواج»، «تغییر نگرش‌های نسلی و کم‌رنگ شدن نقش خانواده» و «سایه ذائقه‌سازی رسانه‌ها بر امر ازدواج» دسته‌بندی انجام شد.

ترس از خیانت همسر و بی‌اعتمادی فزاینده:

تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی نشان می‌دهد، یکی از دغدغه‌های مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، ترس از خیانت همسر آینده و در پی آن نگرانی از گرفتار شدن در آسیب‌های خانوادگی و پیامدهای آن است. لزوم اعتماد در روابط زوجین و اطمینان از وفاداری همسر و ارزش قلمداد شدن پدیده تک‌همسری در جامعه امروز از یک‌سو و از سوی دیگر مواجهه با اخبار و اطلاعات گوناگون از روابط خیانت‌آمیز میان برخی زوجین، موجب امتناع برخی دختران مصاحبه‌شونده از ازدواج و تشکیل خانواده شده است. ترس از خیانت شرایطی را ایجاد می‌کند که فرد به راحتی، به دیگران اعتماد نکند و همین‌طور ارتباطی نگیرد، هرچند مصاحبه‌شوندگان کسانی بودند که تجربه ازدواج نداشتند، اما مهم‌ترین بحث غالب مشارکت‌کنندگان، بی‌اعتمادی نسبت به مردان و مهم‌ترین دغدغه آن‌ها ترس از خیانت بود، افراد ازدواج را به‌مثابه هندوانه سربسته‌ای می‌بینند که آینده آن قابل پیش‌بینی نیست و همین بر ریسک‌پذیری آن می‌افزاید.

از آنجایی که اعتماد-خیانت، اضداد لازم برای شکل‌گیری و یا فروپاشی خانواده هستند، کسی که با این مسئله در دنیای امروز مواجه شده باشد جهت جلوگیری از آسیب مجدد، از هرگونه اعتماد، ارتباط و صمیمیتی دوری می‌کند چرا که تجربه اطرافیان نزدیک و دور مشارکت‌کنندگان، ریسکی بودن ازدواج را به آنان گوشزد می‌کند، بنابراین یکی از

حالات محتمل برای کسانی که تجربه ازدواج را نداشته‌اند اما از خیانت هراس دارند، ترس ناشی از تجربه خیانت در زندگی دیگران است:

«...سه تا خواهر دارم که دوتاش از خودم بزرگترن، خواهر دومم طلاق گرفت، خواهر اولیم هم زندگی خوبی نداره اما به خاطر بچه‌هاش مجبوره بسازه، سنم رفته بالا خواستگاری روستازاده‌ای هم که میان، خانواده‌ام مخالفت می‌کنن باهاشون می‌گن اینم از اون دوتا (دامادها) بدتره...» (نازنین ۳۵ ساله).

گاهی بدبینی ناشی از خیانت در روابط آزاد اجتماعی و خارج از عرفی است که به‌طور معمول از روی نیاز اما در خارج از چارچوب شرعی انجام شده است و پس از آن فرد به جهت تجربه ناموفقی که داشته به راحتی نمی‌تواند به شخص دیگری اعتماد کند. «من شش سال توی رابطه با پسری بودم که فامیل درجه یک بود و خیانت دیدم و انقد سرخورده هستم که از هر مردی می‌ترسم. البته اشتباه از خودم بوده که رابطه‌ای پنهانی رو ادامه دادم و اعتماد بی‌جا به کسی داشتم که همه این سال‌ها نخواست مسئولیت منو قبول کنه» (الهام ۳۳ ساله).

در حالی دیگر بنا به تجاربی که فرد از زندگی ناموفق اطرافیان و علی‌الخصوص متأهلین شنیده است و به هر نحوی دیگر که خیانت‌ها در جامعه بر اثر بیان، بروز و نمود بیشتری نسبت به قبل داشته است، افراد پیش از ازدواج ترس از خیانت را تجربه می‌کنند. «مهم‌ترین نگرانی مسئله خیانت از نظر من، اینکه زیاد شده تو این نمونه، یا شاید بوده ولی الآن بروزش بیشتر شده و لمسش می‌کنیم...» (زینب ۳۶ ساله).

مهریه به‌مثابه تضمینی برای ازدواج:

دوام و استحکام خانواده، مسئله‌ای است که لازمه آن اعتماد طرفینی زوجین است، امروزه نسبت به مهریه دید ابزاری وجود دارد که آن را تضمینی برای استحکام زندگی خانوادگی و یا راهی برای تأمین نیازهای پس از طلاق می‌دانند و به‌نوعی با تغییر ارزش و هنجارها در بحث مهریه مواجه هستیم. در اینجا می‌توان به دو نکته اساسی یعنی رهاسازی

زیست جنسی جامعه و عدم برنامه‌ریزی برای آن اشاره کرد که یکی از نتایج آن می‌تواند نداشتن اعتماد و همین دید ابزاری به مهریه باشد، نکته دوم آنکه توجه نداشتن سیاست‌گذار به توانایی مالی زنان پس از یک ازدواج ناموفق و ترس از مشکلات بعد از آن می‌تواند نگرش افراد جامعه نسبت به مهریه و ازدواج را تغییر دهد.

«...درسته که دلم میخواد زودتر از این شرایط خلاص بشم و کمتر انگشت نمای اطرافیانم باشم، اما برا بحثی مثل مهریه بنظرم نباید ساده و کم باشه هرچند خیلی از پسرا برا همین بحث مهریه فرارین، اینطوریم شانس من با سختگیری کمتر میشه، اما بنظرم مردی که از خودش مطمئنه نباید از تعداد سکه‌های مهریه بترسه، تو جامعه‌ای که همیشه راحت به کسی اعتماد کرد بنظرم مهریه یه پشتوانه‌ست که میتونه بازدارنده باشه، خصوصاً اینکه آگه به خاطر فشارها آدم ریسک ازدواج رو قبول کنه، آگه بعداً مشکلی پیش اومد حداقل دستش پر باشه که سر بار خونواده نشه دوباره...» (پریسا ۳۶ ساله).

در این خصوص هم چنین یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

«نه من موافق این نیستم که کی مهریه داده کی گرفته، الان دیگه بحث این حرفا نیست، به هر حال من همیشه تو ذهنم این مقدار از مهریه بوده» (فروزان ۳۸ ساله).

تغییر نگرش‌های نسلی و کم‌رنگ شدن نقش خانواده:

تغییر معیارها و نگرش‌ها مسئله‌ای است که در تمام ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی نمود خاص خود را دارد، اما در تغییرات نسلی مربوط به خانواده این تفاوت‌ها نمود بیشتری پیدا کرده است، در اولین مورد می‌توان به نقش خانواده‌ها در امر همسر یابی و نگرش جوانان به دخالت والدین در این موضوع اشاره کرد؛ در گذشته بزرگان خانواده نقش محوری در فرآیند ازدواج داشتند که خود راهگشای مشکلات بلکه زمینه‌ساز ازدواج به‌موقع در جوانان بود اما امروزه با تضعیف این جایگاه و تغییر الگوهای سنتی، فرد محوری

واکاوی فهم دختران مجرد از زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی...، میرحسینی و حسین‌زاده | ۴۰۳

بر مناسبات حاکم شده است به گونه‌ای که آزادی انتخاب همسر، حق تعیین گری محسوب می‌شود و خانواده‌ها به نسبت قبل دخالت کمتری در این امر دارند.

«دختر پسر به توافق میرسن و خانواده در آخر با خبر میشن حالا آگه از نظر

خانواده‌ها این ازدواج به صلاح نباشه کی میتونه مجاب کنه» (پروین ۳۴ ساله).

دومین نکته مهم نقش خانواده‌ها در تأمین هزینه‌های ازدواج و همین طور سطح توقعات و تغییر نگرش خانواده‌های امروزی از یکدیگر نسبت به خانواده‌های قدیمی است؛ در این مقوله شانه خالی کردن خانواده‌ها در قبال جوانان خود و بار مسئولیت ازدواج آن‌ها ملموس بود.

«توقع خانواده‌ها از هم و کمک نکردن خانواده به زوجین و دختر و پسرهای

امروزی در شرف ازدواج، این مسئله (افزایش سن ازدواج) رو پررنگ‌تر کرده،

هزینه‌های جشن عروسی، بله برون و مراسم‌های این چنینی...» (محدثه ۳۱ ساله).

علاوه بر تغییر در الگوهای سنتی ازدواج و کمرنگ‌تر شدن نقش خانواده‌ها، مناسبات اقتصادی و مادی در خانواده با توجه به شرایط اقتصادی جامعه اهمیت بیشتری پیدا کرده است، به گونه‌ای که با افزایش سن بلوغ اقتصادی مرد، فراهم کردن مسکن، کار و مخارج زندگی نیز سخت‌تر شده است، به همین موازات اهمیت مسائل اقتصادی برای دختران نسبت به نسل‌های پیشین بیشتر شده است.

«قبلاً ملاک و معیارها با الآن خیلی فرق داشت، نقش خانواده‌ها برا ازدواج

بیشتر بود و طرفین برا حل مشکلات تنها نبودن و گهگاه با سطح توقع پایینی که

داشتن تحمل مشکلات بهتر بود. همین طور مسائل اقتصادی خیلی تغییر کرده الآن

برا تهیه لوازم اولیه زندگی خیلی مشکل وجود داره در صورتی که قبلاً راحت‌تر

بود، بحث استقلال مالی مرد هست که قبلاً راحت‌تر جور می‌شد، زوجین کنار

خانواده‌ها زندگی خودشون رو شروع می‌کردن و سطح توقعاتشونم پایین بود ولی

الآن بحث مسکن، کار، تهیه وسایل لاکچری، مسائل درمانی» (مرضیه ۳۱ ساله).

یکی از نکات چشمگیر در روایت‌های مصاحبه شونده‌گان اهمیت مسائل اقتصادی در

جامعه امروزی جهت تشکیل خانواده نسبت به گذشته است، به گونه‌ای که فراهم نبودن

شرایط مادی و اقتصادی نقش پررنگی در به تأخیر افتادن و یا افزایش سن ازدواج جوانان دارد.

«قبلاً آگه نبود به نبودن راضی بودن و قانع، هم خانواده‌ها هم زوج‌ها، قبلاً آگه کار نبود گیر نمی‌دادن الآن باید همه چیز باشه و شغل ثابت، بدون کار و پول نمی‌چرخه، چون هم همیشه هم نمیزارن اطرافیان...» (آزاده ۳۳ ساله).

سایه ذائقه سازی رسانه‌ها بر امر ازدواج:

از جمله عواملی که بر نوع نگرش و حتی تغییر نگرش افراد جامعه تأثیر گذار است، رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی است، این تغییرات به مرور زمان دیدگاه جمعی جامعه را تغییر می‌دهد به گونه‌ای که با شکل‌گیری ذائقه‌های جدید تحولات زیادی را بر جای می‌گذارد.

«...کلاً فضای جامعه خیلی تغییر کرده، مردم تغییر کردن شاید بیشترش به خاطر رسانه است که مردم همه دارن سعی می‌کنن شبیه هم بشن، من خودمم بخشی از این فرایند شدم انگار...» (فرشته ۳۴ ساله).

یکی از شیوه‌های اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی ذائقه سازی برای مخاطبان است که بر اثر آن نگرش، ملاک و معیارهای انتخاب همسر دچار تغییر و تحول می‌شود.

«...رسانه‌های اجتماعی همیشه گفت تأثیر منفی، چون توقعات دو طرف بالا رفته و ایده‌آل‌ها متفاوت و سختگیرانه‌تر شده... اینستا رو که باز می‌کنی انقد دختر پسرای خوشگل و خوش‌هیكل می‌بینی که ناخودآگاه تمام تمرکزت و ایده‌آلت همیشه همچین شخصی و وقتی مطابق اون ناخودآگاهت نباشه شما تن نمیدی به اون شخص...» (الهام ۳۳ ساله).

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شده با در نظر گرفتن کارکردهای متفاوت و متعدد خانواده در جامعه ایرانی همچون ازدواج و همسرگزینی، تولید نسل، اجتماعی کردن کودکان و...، تحولات

گسترده‌ منتهی به افزایش و تأخیر سن ازدواج در زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی-اقتصادی مورد مطالعه قرار گیرد که با واکاوی و آشکارسازی مضامین نهفته در متن روایت‌ها، صورت‌بندی دقیقی از بسترهای مورد مطالعه و دلایل و زمینه‌های تأخیر و افزایش سن ازدواج ارائه گردد؛ در این صورت‌بندی نویسندگان این پژوهش سه مقوله «عدم مطلوبیت اقتصادی ازدواج»، «انتظارات اجتماعی-اقتصادی تعمیم‌یافته» و «تغییر و تحولات ارزش‌ها و هنجارهای خانواده» را به عنوان مقولات اصلی ترسیم نموده، که به شرح زمینه‌هایی همچون بالا رفتن سطح اطلاعات و آگاهی‌های اجتماعی، افزایش سواد عمومی و تحصیلات، تغییر نقش اجتماعی زنان در جامعه به همراه بسترها و زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی دیگری که منجر به بی‌ارادگی، ایدئال‌گرایی، ترس از آینده، کسب تجربیات تلخ، نرسیدن به تفاهم در مراودات اولیه ازدواج، معاشرت‌های تلخ و ناموفق می‌شود، می‌پردازد.

از جمله مهم‌ترین نکات مطروحه پیچیدگی شرایط اقتصادی و ترس از آینده به خاطر شرایط سخت و زندگی‌های پرهزینه امروزی است که بیان‌کننده ساختار شکننده، نابهنجار و آشفته اقتصادی دارد. مسئله‌ای که گریبان‌گیر بسیاری از خانواده‌ها شده، عدم توانایی آن‌ها برای فراهم نمودن تسهیلات و زمینه‌های ازدواج فرزندانشان است. از طرفی عده زیادی از جوانان هم به علت شرایط اقتصادی و نگرانی‌های ناشی از آن و ترس از درگیر شدن در مشکلات اقتصادی، ترجیح می‌دهند که ازدواج خود را به تأخیر انداخته و مجرد باقی بمانند. طبق رویکرد هزینه و سود "هومنز" تصمیم‌گیری افراد در هر زمینه‌ای بر پایه اصل هزینه و سود است به این معنا که انسان همواره به دنبال آن است که میزان سود و منفعت خود را در هر تصمیمی به حداکثر برساند و هر چه شخصی احساس کند که در نتیجه کنشی خاص احتمال کسب سود بیشتری دارد به انجام آن عمل بیشتر ترغیب می‌شود (ریتزر و گودمن^۱، ۱۳۹۰: ۴۰۸-۴۰۹).

دامنه این مسائل صرفاً به ترس از تشکیل خانواده ختم نمی‌شود، امروزه مسائل اقتصادی و مشکلات مرتبط به آن به حدی زیاد است که دوراهی را بر مسیر جوانان قرار

می‌دهد به گونه‌ای که یا باید ازدواج را تا سال‌ها به تأخیر بیندازند و در حالت شدیدتر قید ازدواج را بزنند و یا تلاش‌های مضاعفی برای عبور از موانع انجام دهند بلکه به نتایجی برسند. در این خصوص مقوله «ناکارآمدی طرح‌های حمایتی» عاملی جدی بر افزایش سن ازدواج دختران است. طی سال‌های گذشته دولت‌ها جهت بستن شکاف‌ها، رونق بخشیدن به امر ازدواج و کم شدن موانع و مشکلات مرتبط به آن، تسهیلات بانکی ویژه‌ای را با عنوان وام ازدواج به جوانان اختصاص داده‌اند تا از این طریق جامعه را به تشکیل خانواده و جوانان را به امر ازدواج تشویق کنند.

اما در واقعیت آنچه مشهود است، شرایطی فراتر از ضوابط پیش‌بینی شده در قانون و از جانب بانک‌ها است که خود مانعی در پرداخت تسهیلات به جوانان و همین طور در بازپرداخت آن می‌باشد. مصداقاً طبق صحبت‌های معاون امور جوانان وزیر ورزش و جوانان «به بیش از ۹۲۴ هزار متقاضی در سال ۱۴۰۰ وام ازدواج پرداخت شده است؛ به گفته وی بهترین عملکرد بانک‌های عامل در یزد و بوشهر (۹۴ درصد) و بدترین عملکرد بانک‌های عامل در خراسان شمالی و کهگیلویه و بویراحمد (زیر ۸۰ درصد) بوده است»^۱. در واقع علی‌رغم تأکیدات بسیار بر امر ازدواج، پرداخت وام به زوجین نه تنها صددرصد اتفاق نیفتاده بلکه در برخی استان‌ها نظیر کهگیلویه و بویراحمد کمتر از ۸۰ درصد نیز بوده است. مطابق با رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی، فقدان سازگاری بین اجزای نظامات یا سازگاری بسیار ضعیف آن منجر به بروز تغییرات اجتماعی می‌شود که راه‌حل بی‌سازمانی، سامان دادن و برگردان اجزای نظام‌های اجتماعی به شرایط عادی و حالت تعادل است، از این رو بر اساس این تئوری تشکیل خانواده و ازدواج در شرایطی رخ می‌دهد که جامعه به راحتی بتواند اهداف مشخص و از پیش تعیین شده خود و راه‌های وصول و رسیدن به آن را نیز مشخص نماید تا حالت تعادل و انسجام آن حفظ شده و تداوم آن تضمین شود و اگر در همچین نظامی اهداف و وسایل با ساختار جامعه مغایرتی داشته باشد قاعدتاً جامعه نیز با مشکلاتی مواجه خواهد شد (تاج‌بخش و نصیری، ۱۴۰۰: ۹۲). بنابراین تا زمانی که جامعه

شرایط موردنیاز جهت تشکیل خانواده و راه‌های وصول آن را فراهم ننماید، نمی‌توان انتظار داشت آمارهای ازدواج افزایشی شده و یا از تأخیر سن ازدواج جلوگیری نمود.

«سیطره ملاک‌های اقتصادی بر امر ازدواج» مقوله مهم دیگری است که زمینه‌های اقتصادی تأخیر سن ازدواج را نشان می‌دهد، جیمز اس کلین در نظریه انتخاب عقلانی معتقد است اصولاً مردم کنش‌های بدیل گوناگونی را که برایشان امکان‌پذیر است واری می‌کنند و درباره آن‌ها محاسباتی انجام می‌دهند. به گونه‌ای که میزان پاداش هر روند کنشی را مقایسه می‌کنند. همین‌طور احتمال واقعی دریافت آن پاداش‌ها را محاسبه می‌کنند. اگر افراد تصور کنند که احتمال رسیدن به پاداش‌های ارزشمندتر برایشان وجود ندارد، آن کنش برایشان بی‌ارزش می‌شود. بنابراین مطلوب‌ترین پاداش‌ها هم بسیار ارزشمند هستند و هم بسیار دست‌یافتنی. پاداش‌هایی که از همه مطلوبیت کمتری دارند خیلی ارزشمند نیستند و به دست آوردنشان بسیار دشوار است (ریترز، ۱۳۸۹: ۲۷۹-۲۸۱). در همین راستا پارسونز معتقد است توسعه‌یافتگی بیشتر جوامع با تحولاتی همراه است که در آن کار محور تمام ارزش‌ها می‌شود و داشتن شغل، درآمد و داشتن یک پایگاه اقتصادی معقول، مهم و ارزشمند می‌شود (تاج‌بخش و نصیری ۱۴۰۰: ۹۴).

در این میان علی‌رغم آنکه باید برای ازدواج و شروع یک زندگی حداقل‌های اقتصادی و شغلی فراهم باشد، تجربه بیکاری و نداشتن منبع درآمدزا در میان جوانان موجب افزایش مدت زمان مجرد شده است. طبق آخرین آمارها، نرخ بیکاری عمده نیروی کار جمعیت ۱۵ ساله تا ۳۵ ساله برحسب جنس به تفکیک استان‌ها در سال ۱۳۹۸ حدود ۳۵/۴ درصد زنان و ۱۹/۶ درصد مردان استان کهگیلویه و بویراحمد درگیر بیکاری هستند (سایت مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). بر اساس پژوهشی که صادقی و گوهری (۱۳۹۵)، انجام داده‌اند احتمال مجرد ماندگی در جوانانی که بیکار هستند حدود هشت برابر بیش از افراد شاغل است، از این‌رو می‌توان گفت مشکلات بازار کار و بحران‌های اقتصادی تأثیر مستقیمی بر تأخیر ازدواج دختران داشته است.

از طرفی در این پژوهش دختران مصاحبه شونده، فراهم نبودن شرایط جامعه برای ازدواج را در سایه بی‌توجهی مسئولین دلیلی مهم بر تأخیر سن ازدواج می‌دانند و از آن طرف بسترهای اجتماعی و اقتصادی نیز همه را به سمت یک‌الگوی ارزشی مدرن واحد سوق می‌دهد، به نحوی که چه پسران و چه دختران انتظارات اجتماعی و اقتصادی تعمیم‌یافته مشترکی را در ابعاد متفاوت مالی، تحصیلی، کاری و... خواهان هستند، از این رو مقوله فرعی «تجمعات فزاینده و دشواری‌های تهیه تجهیزات» بر ساخت می‌شود و برخلاف آنکه انتظار می‌رود با توجه به شرایط نامناسب اقتصادی در جامعه، سهولت امر ازدواج با درک متقابل طرفین از یکدیگر و چشم‌پوشی از بسیاری از خواسته‌ها محقق شود.

دومین مقوله فرعی در این بخش «هم‌کفوی اقتصادی و انتظارات اجتماعی-اقتصادی پسران» است که بر اساس آن دخترانی که از پایگاه اقتصادی بالایی در جامعه برخوردار نباشند در غالب اوقات مورد انتخاب قرار نمی‌گیرند. در کنار این مسئله جامعه حاضر به سمتی پیش رفته است که در مورد شاغل بودن زنان بعد از ازدواج مواضع متفاوت‌تری نسبت به گذشته اتخاذ می‌کند، به نحوی که بخش قابل توجهی از مردان امروزه دوست دارند با زن شاغل و مستقل ازدواج کنند. در این خصوص اینگلهارت (۱۳۹۵: ۱۹۷) معتقد است؛ سیر تطور و تکامل جوامع از سنتی به مدرن و پست‌مدرن در حرکت است و ارزش‌های اجتماعی و مذهبی سنتی، ارزش‌های فردی غالب در جامعه سنتی است که در گذار به جامعه مدرن جای خود را به روحیه و انگیزه‌های پیشرفت و ترقی می‌دهد، بنابراین ارزش‌های قانونی، عقلانی، انگیزه پیشرفت و در نهایت فردگرایی در جوامعی که رو به مدرن شدن هستند ارزشمند می‌شوند. علاوه بر این، این یافته با ارجاع به تئوری نوسازی نیز قابل تبیین است. مطابق با این رویکرد، در فرایند نوسازی و با گذر از الگوهای سنتی ازدواج و خانواده، جامعه به سمت مدل‌های جهان‌شمول خانواده در غرب سوق داده می‌شود که به دنبال شکل‌دهی نوع جدیدی از خانواده با حق تعیین‌گری است که تأثیر این پدیده را می‌توان در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالا و یا تمایل به زندگی مجردی و همچنین عدم تمایل به فرزندآوری مشاهده نمود.

مقوله مهم دیگر «مطالبه توازن تحصیلی و مالی در دختران و جاماندگی پسران» است که ترجیح تحصیلات بر ازدواج ریسک‌دار به خاطر مشکلات اقتصادی و اجتماعی و همین‌طور بالا رفتن سطح انتظارات و ملاک‌های ازدواج به واسطه افزایش سطح تحصیلات در دختران را نشان می‌دهد، در کنار ارزشمندی و اولویت تحصیلات، احراز فرصت‌های شغلی و در پی آن افزایش توقعات اهمیت می‌یابد. ارزشمندی اشتغال که گاهی با فرصت احراز و کسب جایگاه شغلی از جانب دختران محقق می‌شود، موجب افزایش توان و استقلال مالی، افزایش وجهه اجتماعی و شخصیتی آنان شده و این موضوع که فی‌الذاته مسئله نیست به دلیل شرایط بیکاری، یا نداشتن شغل ثابت از جانب مردان جوان، یا ناکافی بودن سطح درآمدی آنان، به‌طور غیرمستقیم بر تأخیر و افزایش سن ازدواج دختران اثرگذار است.

آخرین مقوله مورد بحث «تغییر و تحولات ارزش‌ها و هنجارهای خانواده» می‌باشد، در جامعه و فرهنگ مدرن امروزی، بازاندیشی به‌گونه‌ای متفاوت عمل می‌کند به این معنا که با ظهور مدرنیته، بازاندیشی خصلت دیگری به خود می‌گیرد. در این دوره بازاندیشی مبنای بازتولید سیستمی می‌شود، در نتیجه کلیت زندگی اجتماعی امروزی عادی به نظر می‌رسد و رابطه ذاتی آن با گذشته هیچ اهمیتی ندارد، از این رو می‌توان گفت هدف در فرهنگ سنتی حفظ ارزش‌های گذشته است، درحالی‌که در فرهنگ امروزی هدف بازاندیشی در مدرنیته، اصلاح و بازسنجی کنش بر اساس دانش تجربی است. در اینجا «تغییر نگرش‌های نسلی و کم‌رنگ شدن نقش خانواده» به عنوان یکی از مقولات فرعی معنا پیدا می‌کند و به موازات این بازاندیشی که منجر به تغییر در ساختار زندگی اجتماعی سنتی شد می‌توان «ترس از خیانت همسر و بی‌اعتمادی فزاینده» در جامعه امروزی را بهتر درک نمود که نتایجی همچون «مهریه به‌مثابه تضمینی برای ازدواج» را در پی داشته است. می‌توان ادعا نمود در عصر مدرنیته است که بازنگری اساسی در سنت، منجر به تغییراتی در تمام شؤون زندگی بشری می‌شود.

بر اساس آنچه تاکنون برشمرده شد افزایش سن ازدواج دختران حاصل پدیده‌ای چندوجهی و پیچیده‌ای است که بسترها و زمینه‌های متفاوت اجتماعی و اقتصادی به طرق مختلف آن را بر ساخت می‌کند. بررسی این بسترها در این مطالعه نشان داد که پدیدهٔ مجرد و تأخیر در سن ازدواج فارغ از مسائل خردی که مؤثر بوده‌اند، شدیداً تحت تأثیر مسائل کلانی چون مشکلات اقتصادی و تحمیل امور اجتماعی و بیرونی است و همهٔ این زمینه‌ها علاوه بر پیامدهای روحی و روانی زیادی که بر جای داشته، تغییرات ارزشی گسترده‌ای را ایجاد نموده است. در سومین مقولهٔ اصلی این تغییرات مورد دسته‌بندی قرار گرفت که شامل چهار مقولهٔ فرعی «ترس از خیانت همسر و بی‌اعتمادی فزاینده»، «مهریه به‌مثابه تضمینی برای ازدواج»، «تغییر نگرش‌های نسلی و کم‌رنگ شدن نقش خانواده» و «سایه ذائقه‌سازی رسانه‌ها بر امر ازدواج» است.

این تغییر و تحولات نگرشی به‌گونه‌ای است که خانوادهٔ فعلی با خانوادهٔ ده سال گذشتهٔ خود نیز کمتر تناسبی دارد. جهت ارزیابی این تناسب می‌توان به نگرش‌ها و چالش‌های اقتصادی و اجتماعی نسل‌های مستقل اما مرتبطی اشاره کرد که نوع زیست آنان، متفاوت از نسل امروزی بوده است. در گذشته شدت و گستردگی خیانت‌ها آنچنان نمودار نبود که با مسئلهٔ ترس از خیانت و پررنگ‌تر شدن نقش مهریه مواجه باشیم. از همه مهم‌تر آنکه نقش خانواده‌ها بیش از پیش پررنگ بود، امروزه ازدواج در حال تبدیل شدن به یک امر شخصی و صرفاً مسئله‌ای میان دختر و پسر است، درحالی‌که در گذشته بیش از آن‌که اراده طرفین در امر ازدواج مهم باشد به نظر بزرگ‌ترها بستگی داشت (عبدی، ۱۳۹۳: ۸۹). این مسئله خصوصاً در بوم فرهنگی شهر یاسوج که در گذشته برای مسئلهٔ ازدواج پیش از آنکه دختر و یا پسر به فهم مقوله ازدواج و سن بلوغ برسند در میان خانواده‌ها قطعی می‌شد، بسیار صادق است. اما امروزه با کم‌رنگ شدن جایگاه خانواده‌ها در امر ازدواج چه با خودمختاری و آزادی عمل بیشتر جوانان در انتخاب همسر، چه به دلیل شانه خالی کردن والدین از زیر بار مسئولیت ازدواج فرزندان، تأخیر و افزایش سن ازدواج بیش از پیش نمود پیدا کرده است، لذا می‌توان گفت تغییرات نگرشی بین نسلی و

کمرنگ شدن نقش خانواده‌ها در ازدواج یکی از اسباب مهم در تأخیر سن ازدواج است. علاوه بر این بسترهای رسانه‌ای نقش پررنگی در شکل‌گیری الگوهای رفتاری جدید دارند. در این خصوص وبلن که تحت تأثیر مارکس و نظریه تکاملی او است، نظم اجتماعی را به گونه‌ای متصور می‌شود که تحت تأثیر تکنولوژی شکل می‌یابد، بنابراین بیش از هر چیز به پیامدها و فرآیندهای نوسازی می‌پردازد و معتقد است الگوهای تفکر و رفتار شدیداً تحت تأثیر تکنولوژی است (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۱).

در مجموع بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها نتایج پژوهش نشان داد، در اغلب موارد تأخیر در سن ازدواج ناشی از بسترها و زمینه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی است که به فرد تحمیل می‌شود. از جمله این بسترها و زمینه‌ها می‌توان به «بیکاری»، نداشتن شغل ثابت، نداشتن مسکن مستقل، پایگاه اقتصادی پایین، اشتغال زنان و بالا رفتن انتظارات، نگرانی به خاطر مشکلات مالی در آینده، اقتصاد متلاطم و ترس از قبول مسئولیت، بهم ریختگی بازار اقتصادی و ناتوانی در تهیه تجهیزات، تسهیلات ناکارآمد، تمایل به تحصیلات بیشتر، ترجیح تحصیل بر ازدواج ریسک دار و...» اشاره کرد. بنابراین این مسئله همچون دیگر مسائل اجتماعی پیامدهای متعددی برای فرد و جامعه به همراه دارد. کاهش عمومیت ازدواج و افزایش مجرد قطعی، افزایش ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی از جمله این موارد است که می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات دیگری همچون؛ کاهش باروری، بروز اختلالات روانی، بی‌هویتی و سرگشتگی، دگرگونی‌های جدید در ساختار خانواده، همچنین تداخل در تعامل اعضای خانواده با یکدیگر و تغییر الگوهای رفتاری افراد خانواده شود. نهایتاً در راستای نتایج صورت گرفته پیشنهادهایی که می‌تواند مورد توجه و تعقیب سیاست‌گذاران قرار گیرد به شرح ذیل است:

- توجه دولت به قانون تسهیل ازدواج جوانان که در سال ۸۴ تصویب و به فراموشی سپرده شد، به منظور سامان‌بخشی به فعالیت‌های ازدواج در استان‌ها از طریق تشکیل کمیته سامان ازدواج که این امر می‌تواند کمی از چالش‌های پیش رو را بکاهد.

- نظارت بر پرداخت وام‌های ودیعه مسکن با شرایطی مناسب، احداث واحدهای مسکونی و اجاره مناسب، همین طور فراهم‌سازی شرایط معقول‌تر برای اخذ و بازپرداخت وام‌های ازدواج متناسب با شرایط تمام قشرهای مردمی به ویژه در استان‌های کمتر توسعه‌یافته.

- فراهم آوری امکانات رفاهی با کم‌ترین هزینه برای برطرف نمودن مشکلات زوج‌های جوان در برپایی مراسم ازدواج.

- ترغیب جوانان از طریق فعال نمودن تمام ظرفیت‌های رسانه‌ای به منظور تصحیح باورها و آداب و رسوم مانع و مزاحم ازدواج جوانان.

- در نظر گرفتن شرایط زوجینی که هیچ‌کدام از آنها اشتغال به کار یا منبع درآمدی ندارند حداقل به مدت محدود در ابتدای شروع زندگی از طریق حمایت‌های مالی یا پرداخت وام‌های قرض‌الحسنه با شرایط اخذ و بازپرداخت معقول و متناسب.

تعارض منافع: تعارض منافع نداریم.

سپاسگزاری: از تمام کسانی که ما را در انجام این پژوهش یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

ORCID

Zahra Mirhosseini



<http://orcid.org/0000-0001-6201-7834>

Hamideh Hosseinzadeh



<http://orcid.org/0000-0003-1611-1816>

منابع

- ابوالحسنی، ریحانه. (۱۳۹۸)، «بررسی جامعه‌شناختی سکسوالیته (نظام رفتار جنسی) دختران در آستانه تجرد قطعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا (س).
- افراز، کبری (۱۳۸۹)، بررسی نگرش دختران مجرد بالای ۳۰ سال شاغل در شهر یاسوج نسبت به علل و پیامدهای تجرد ناخواسته، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، (M.A). دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۹۵)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، مترجم: وتر، مریم، تهران: انتشارات کویر، ویرایش سوم.
- بالاخانه، فرزانه (۱۳۹۴)، بررسی عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج دختران شهر کاشان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مطالعات فرهنگی، دانشگاه کاشان.
- بشیری خطیبی، بهنام، باصری، علی، راد، فیروز و هاشم زهی، نوروز. (۱۳۹۹)، «مطالعه جامعه‌شناختی تجردگزینی جوانان»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۹، شماره ۴: ۹۰۶-۸۷۹.
- تاج‌بخش، غلامرضا و نصیری، محمد. (۱۴۰۰)، «رابطه متغیرهای اقتصادی و افزایش سن ازدواج با رویکرد سیاست‌های کلی جمعیت»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۹، شماره ۱: ۸۲-۱۰۳.
- حبیب‌پورگتایی، کرم، غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، علل افزایش سن ازدواج دختران، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۱: ۷ تا ۳۴.
- حسینی، ناهید، سید میرزایی، سید محمد، ساروخانی باقر. (۱۳۹۶)، «واکاوی دلالت‌های معنایی ازدواج نزد جوانان (مطالعه موردی جوانان مجرد ساکن شهر تهران سال ۱۳۹۶)»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۶، شماره ۲: ۲۴۳ تا ۲۷۰.
- خالقی‌فر، مجید (۱۳۸۱)، بررسی ارزش‌های مادی / فرا مادی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، عوامل مؤثر بر آن و روابط آن با برخی از نشانه‌های فرهنگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ریترز، جرج، گودمن، داگلاس جی. (۱۳۹۰)، نظریه جامعه‌شناسی مدرن، ترجمه: میرزایی، خلیل، لطفی زاده، عباس، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.

۴۱۴ | فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی | سال چهاردهم | شماره ۵۷ | زمستان ۱۴۰۲

- ریترز، جرج. (۱۳۸۹)، مبانی نظریه جامعه‌شناسی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، مترجم: مسمی پرست، شهناز، تهران: نشر ثالث، چاپ اول.

- سایت مرکز آمار ایران سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱. <https://www.amar.org.ir>.

- سلامتی هرمزی، شکوفه. (۱۳۹۰)، «بررسی مقایسه‌ای ادراک‌ها و نگرش‌های دختران مجرد شهر بندرعباس نسبت به ازدواج و پیامدهای تجرد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان.

- شهانواز، سارا، اعظم آزاده، منصوره. (۱۳۹۸)، شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر تجرد در ایران، مسائل اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۲: ۱۵۷ تا ۱۹۱.

- شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۰)، فاصله نسل‌ها- دوری از وفاق اجتماعی، مجموعه مقالات جامعه و فرهنگ، تهران: نشر آرون، جلد سوم.

- صادقی، رسول؛ قدسی، علی محمد و افشار کهن، جوان. (۱۳۸۶)، «واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه‌حل»، پژوهش زنان، دوره پنجم، شماره ۱: ۸۳ تا ۱۰۸.

- صادقی، رسول؛ شکوفه گوهری، محمد. (۱۳۹۵)، «مطالعه پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج جوانان در شهر تهران»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰: ۱۴۱-۱۷۵.

- عبدی، عباس. (۱۳۹۳)، مقدمه‌ای بر پژوهش در جامعه‌شناسی خانواده در ایران، تهران: نشر نی، چاپ اول.

- علائی بوسجین، محسن. (۱۴۰۰)، «توسعه راهکارهای جامعه‌شناختی رفع موانع و مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ازدواج جوانان»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سیزدهم، شماره ۲: ۲۳۷-۲۴۷.

- غیاثوند، احمد و حاجیلو، زینب. (۱۳۹۹)، «تجرد زیستی جوانان: پانتومیم دختران مجرد در ایستار ازدواج»، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، سال ۲۷، شماره ۸۸: ۱۷۵ تا ۲۱۶.

- فرضی زاده، زهرا. (۱۳۹۳) «طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد، توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۱: ۱۲۳-۱۴۶.

واکاوی فهم دختران مجرد از زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی...، میرحسینی و حسین‌زاده | ۴۱۵

-فخرایی، سیروس و پورتقی، مهناز. (۱۳۹۵)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با ازدواج دیررس جوانان ازدواج کرده بالای ۳۰ سال شهر بناب، مطالعات جامعه‌شناسی، سال هفتم، شماره ۲۷: ۸۰-۶۳.

-فلیک، اووه. (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
-کاوه فیروز، زینب و صارم، اعظم. (۱۳۹۶)، «بررسی تأثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر نگرش دختران مجرد در باب ازدواج (مطالعه شاغلان دانشگاه علوم پزشکی شیراز)»، مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۱: ۷۳ تا ۹۵.

-گنجی، محمد؛ پیری، حسن و واحدیان، مرتضی. (۱۴۰۰)، «گونه‌شناسی دختران ازدواج‌نکرده ایلامی بر حسب دلایل تجرد»، فصلنامه علمی مطالعات زن و خانواده پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهرا (س)، دوره ۹، شماره ۱، پیاپی ۲۰: ۱۸۹-۲۱۲.

-گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۲)، پیامدهای مدرنیت، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز، چاپ هفتم.

-گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴)، چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه: محمدرضا جلالی پور، تهران: طرح نو، چاپ دوم.

-گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی، ترجمه: صبوری، منوچهر، تهران: نشر نی، چاپ هفتم.
-مداحی، جواد، زارع، بیژن، سراج‌زاده، سید حسن، حبیب‌پور گتایی، کرم. (۱۴۰۰)، «مسئله تجرد: سوژه و زیست جهان نوپدید دختران شهر تهران»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۲۱، شماره ۲: ۷-۴۳.

-محمدپور، احمد. (۱۳۹۲)، از سنت به نوسازی؛ مطالعات تغییرات اجتماعی به روش اتنوگرافی، نشر جامعه‌شناسان، چاپ اول.

-مدرسی یزدی، فائزه سادات؛ فرهمند، مهناز و افشانی، سیدعلیرضا. (۱۳۹۶). بررسی انزوای اجتماعی دختران مجرد و عوامل فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه دختران مجرد بالای ۳۰ سال شهر یزد). مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)، دوره ۸، شماره ۱: ۱۲۱-۱۴۴.
-معمار، ثریا، یزدخواستی، بهجت. (۱۳۹۴)، «تجارب زیسته دختران شاغل ۳۰ تا ۴۹ سال از تجرد، مسائل اجتماعی ایران»، سال ۶، شماره ۲: ۱۴۹-۱۷۲.

- Celik Kezban. (2018). Unmarried women with closed “windows of opportunity”: Professional women's reasons for not getting married. *Women's Studies International Forum*, 66, 48-55. <https://doi.org/10.1016/j.wsif.2017.11.012>.
- Lee, Bun Song., Klein, Jennifer., Wohar, Mark & Sangsin Kim (2020). Factors delaying marriage in Korea: an analysis of the Korean population census data for 1990–2010. *Asian Population Studies*, 17, 71-93, <https://doi.org/10.1080/17441730.2020.1781380>.
- Marrisa, Ferrari Occhionero. (2000), Generation and value changes across time, *International review of sociology*. 110(2), 223-233. <https://doi.org/10.1080/713673997>.
- Reda, A Alex., & Lindstrom, David. (2014). Recent trends in the timing of first sex and marriage among young women in Ethiopia. *African Population Studies*, Vol 28:1157-1170, <https://doi.org/10.11564/28-0-564>.
- Schuster, Anne., Hinde, Andrew., & Padmadas, Sabu S. (2021). Missing marriage: changing marriage patterns amid social transition in Myanmar. *Asian Population Studies*, 17 (3), 285-307. <https://doi.org/10.1080/17441730.2021.1898149>.
- Yoo, Sam Hyun. (2016). Postponement and recuperation in cohort marriage: The experience of South Korea. *Demographic Research*, Article (35): 1045–1078, <https://doi.org/10.4054/DemRes.2016.35.35>

استناد به این مقاله: میرحسینی، زهرا و حسین‌زاده، حمیده. (۱۴۰۲). واکاوی فهم دختران مجرد از زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی تأخیر در ازدواج (مورد مطالعه دختران مجرد شهر یاسوج). فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۴(۵۷)، ۳۶۹-۴۱۶.



Social Development and Welfare Planning Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.